

بسمه تعالی
مدیریت در خانه و خانواده

مقدمه

ضرورت مدیریت در اجتماع کوچک خانواده بر کسی پوشیده نیست. اسلام، سرپرستی خانواده را برعهده مرد گذاشته و او را در عرصه خانوادگی قوام و حاکم قرار داده است و در عین حال توانایی‌های زن را نادیده نگرفته و مسئولیت مدیریت داخلی کانون خانواده را به او سپرده است.

شوهرداری، خانه‌داری و نقش مادری سه وظیفه اصلی و خطیر زن در خانواده است که بدون برخورداری از تدبیر و مدیریت از عهده آنها برنخواهد آمد. مدیریت شایسته زن و شوهر در خانواده است که از آنها الگو و اسوه می‌سازد و این مدیریت بر اجتماع نیز اثری سازنده می‌گذارد. در مقابل، سوء مدیریت هر کدام از زن و شوهر در این عرصه آثار نامطلوبی از خود بر جای می‌گذارد و گاه به فروپاشی خانواده می‌انجامد.

زن چگونه می‌تواند وظایف خود را در خانواده به شایستگی انجام دهد؟ شوهرداری چیست و چه اهمیتی دارد؟ اصول و راه و رسم آن چیست؟ زن چه نقشی در آرامش شوهرش دارد؟ خانه‌داری چیست؟ چه جایگاهی دارد؟ راه و رسم آن چیست؟ زن چگونه می‌تواند کانون خانواده را مدیریت کند و مایه گرمی و نشاط اعضای خانواده گردد؟ نقش مادری چیست؟ لذت مادری چگونه است؟ مادر چه وظیفه‌ای در تربیت فرزندان دارد و توجه به چه نکاتی در تربیت بر او لازم است و حقوق مادری چیست؟ اینها برخی از پرسشهایی است که پاسخ آنها را در متن حاضر می‌یابید.

فصل اول: کلیات

در این فصل پس از بیان اهمیت خانواده از دیدگاه اسلام، ضرورت و اهمیت مدیریت در خانواده، نقش هر کدام از زن و شوهر در مدیریت خانواده، وظایف مدیریتی و آسیبهای سوء مدیریت در خانواده به بحث گذاشته می‌شود.

مقدمه

در عالم، بنایی محبوب‌تر از خانواده در پیشگاه خداوند سبحان نمی‌توان سراغ گرفت. تشکیل چنین بنایی، نیازی اجتماعی است و شرع مقدس اسلام بر آن تأکید فراوان دارد. قرآن کریم، مسلمانان را به ازدواج و تشکیل خانواده ترغیب می‌کند. روایات بسیاری در ارزش و اهمیت و تقدس بنای خانواده از اهل بیت (ع) نقل شده است. خرد انسانی نیز آن را امری مستحسن دانسته و بر آن تشویق می‌کند. در آیه‌ای می‌خوانیم: «بی‌همسران خود و غلامان و کنیزان درستکار را همسر دهید. اگر تنگدستند، خداوند آنان را از فضل خویش بی‌نیاز خواهد کرد و خدا گشایشگر داناست. (نور: 32)

پیغمبر اکرم: «هر کس دوست دارد از سنت من پیروی کند، باید ازدواج کند که ازدواج سنت من است.» ازدواج در منظر اسلام، پیمانی است مقدس و به تعبیر فقها شائبه‌ای از عبادت در آن وجود دارد «وَفِيهِ شَائِبَةٌ الْعِبَادَةِ». از این رو، فقه اسلامی ازدواج را مستحب مؤکد و گاه واجب اعلام کرده است. مقدس بودن ازدواج و کانون خانواده را از چند جهت می‌توان تبیین کرد:

نخست: ازدواج، حصار خودی را در هم می‌شکند و با این پیمان، دو گل به هم می‌پیوندند و روحی واحد را تشکیل می‌دهند و از حصار خودپرستی خارج می‌گردند. اسلام، زن و مرد مجرد را که تن به ازدواج نمی‌دهند مذمت کرده است.

دوم: ازدواج از افتادن به گناه و معصیت جلوگیری می‌کند و موجبات طهارت و تعالی روح را فراهم می‌سازد. سوم: ازدواج، یگانه مکتب صلاحیتدار تربیت نسل آینده است و چیزی نمی‌تواند جایگزین آن شود.

ضرورت و اهمیت مدیریت در خانواده

مدیریت و رهبری یک ضرورت اجتماعی است. مجموعه‌های انسانی بدون مدیریت، سامان نمی‌گیرد و بی‌نظمی و هرج و مرج شیرازه آنرا فرو می‌پاشد. خانواده هم که سلول اولیه پیکره اجتماع است، بدون مدیریت اصولی و صحیح سامان نمی‌یابد. ضرورت و اهمیت این مسئله آنچنان آشکار است که رسول خدا (ص) در هر اجتماع دو سه نفری بر مدیریت یک نفر تأکید می‌ورزد و می‌فرماید: «هرگاه سه نفری مسافرت کنید، یکی را مدیر قرار دهید.»

مدیریت خانواده، با همه محدودیت و کوچکی، ابعاد گوناگونی دارد؛ همانند ابعاد بسیار مهم اخلاقی، تربیتی، فرهنگی، اقتصادی، حقوقی و بهداشتی. این ابعاد در روابط حاکم بر زن و شوهر و سایر اعضای خانواده وجود دارد و تدبیر امور خانواده در این جنبه‌ها، ظرافتها و دشواریهای خاصی دارد و این مسئله نیز تأکیدی است بر ضرورت و اهمیت مدیریت اصولی و درست در خانواده.

تدبیر در معیارهایی که اسلام در گزینش همسر بیان کرده است و نیز اوصافی که برای زنان و مردان شایسته برشمرده است، ما را به ضرورت و اهمیت مدیریتی شایسته در عرصه خانواده رهنمون می‌سازد.

نقش مرد در مدیریت خانواده در اسلام، سرپرستی و مدیریت خانواده به دو جهت به مرد واگذار شده است؛

اول: خصوصیتی در مرد است که در زنان نیست؛ مانند ترجیح قدرت تفکر بر نیروی عاطفه و احساسات و همچنین داشتن نیروی جسمی بیش‌تر که با اولی بتواند بیندیشد و نقشه طرح کند و با دومی بتواند از حریم خانواده خود دفاع نماید.

دوم: تعهد مرد برای پرداختن هزینه‌های زندگی، مهریه همسر و تأمین زندگی آبرومندان همسر و فرزند، در حالی که زنان از نظر اسلام تعهدی در این زمینه ندارند.

قرآن کریم می‌فرماید: «مردان، سرپرست زنانند، به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و به دلیل آنکه از اموالشان خرج می‌کنند.» (نساء: 34)

قوام بودن به معنای مدیریت بر مبنای حکمت و مصلحت است برای تدبیر بهتر خانواده و تکلیفی است که بر دوش مرد نهاده شده است. این قوامیت هرگز به معنای فضیلت معنوی مرد نسبت به زن و قرب بیش‌تر او به درگاه خداوند نیست.

در ماده 1105 قانون مدنی می‌خوانیم: «در روابط زوجین ریاست خانواده از خصایص شوهر است.» در توجیه این قاعده گفته‌اند: «هر اجتماعی را باید رئیسی باشد که کارها را هماهنگ کند و در صورت بروز اختلاف، نظر او قاطع باشد. خانواده نیز از این قانون مستثنی نمی‌تواند بود. اصولاً زن و شوهر باید با صفا و صمیمیت و توافق یکدیگر امور خانواده را اداره کنند. لیکن اگر درباره مسائل خانواده بین آنان اختلاف نظر و سلیقه پدید آید، نظر مرد به عنوان رئیس خانواده مقدم خواهد بود و زن باید نظر او را بپذیرد.» بدیهی است که مدیریت مرد در خانواده به معنای حاکمیت مطلق او نیست. از این رو، مرد باید توجه کند که مدیریت او به خودکامگی، خودمحوری و جباریت منجر نشود. مرد، حق تحکم و استبداد ندارد و نباید نظر و اندیشه خویش را بر اعضای خانواده تحمیل کند و خواست و نظر آنان را به هیچ‌انگارد. مرد باید مدیریت خویش را بر رفتار انسانی بنا کند و روش رسول خدا (ص) را در پیش گیرد تا نقش خود را در تدبیر خانواده به شکلی شایسته ایفا کند.

نقش زن در مدیریت خانواده

شوهرداری، خانه‌داری و مادری سه وظیفه اصلی زن در خانواده است. اگرچه اسلام مدیریت خانواده را بر مرد واگذار کرده است، ولی نباید نقش مدیریتی زن را در ایفای وظایف یاد شده نادیده گرفت. آنچه یک زن نمونه را در ایفای وظایف خود در خانه و خانواده موفق می‌کند، به‌کارگیری اصول و شیوه‌های مدیریت اسلامی در شوهرداری، خانه‌داری و تربیت فرزند است.

از این رو، موفقیت مرد در مدیریت خانواده نیز تا حد زیادی به معاونت و همکاری زن وابسته است. بنابراین می‌توان گفت که هر کدام از مرد و زن در حوزه خانواده بهره‌ای از مدیریت دارند؛ مرد، قوام و سرپرست خانواده است و موظف است برای اداره زندگی طرح و برنامه بریزد، زن و فرزندان را از نظر مالی، فکری و بدنی حمایت و حفاظت کند و هزینه زندگی آنان را تأمین نماید. زن نیز در این مسئولیت، معاون و همکار مرد است. علاوه اینکه خود در حوزه داخلی منزل، سه وظیفه اصلی دارد که مدیریت کردن، لازمه آن است.

مشارکت زن و مرد در مدیریت خانواده

زن و مرد در خانواده یک واحد را تشکیل می‌دهند و یک روحند در دو بدن. از این رو، وظایف آنان در خانواده اشتراک آنان در مدیریت را اقتضا می‌کند. به همین سبب است که اسلام هر دو را در حوزه خانواده مسئول

می‌شمارد. برخی از جهاتی که زن و شوهر می‌توانند با یکدیگر مشارکت نمایند و زندگی مشترک خود را سامان بخشند، عبارتند از:

- هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی برای زندگی آینده خود؛

- تصمیم‌گیریها؛ از قبیل مشورت و تصمیم‌گیری در چگونگی اداره زندگی، هزینه کردن و غیر آنها؛

- کمک و همکاری؛ زن، به شوهر خود کمک می‌کند تا مسئولیتهای اجتماعی‌اش را بهتر انجام دهد و مرد نیز، در امور خانه‌داری یا پیشرفت علمی به همسرش مدد می‌رساند تا احساس دلگرمی بیش‌تری کند و بهتر بتواند به وظایفش عمل کند و از طرفی به امور معنوی خود نیز برسد؛

- عبور از مشکلات و دشواریهای زندگی؛ برای مثال زن با درک موقعیت شوهرش، سختیهای زندگی مشترک را تحمل می‌کند، به شوهرش مشورت فکری می‌دهد، از او دلجویی می‌کند و...

- بچه‌داری و تربیت فرزند. اگرچه زن از نظر شرعی و قانونی وظیفه‌ای در این باره ندارد؛ چنان‌که موظف به امور خانه‌داری هم نیست؛ ولی زنان مسلمان و مکتبی این مسئله را وظیفه اخلاقی خود می‌دانند.

وظایف مدیریتی

پیش از پرداختن به وظایف مدیریتی در حوزه خانواده، خوب است تذکر دهیم که مدیریت خانه و خانواده برای زن و شوهر به علم و آگاهی فراوانی نیاز دارد. زن و شوهر آگاه و با اطلاع که در زندگی، صاحب روش و اسلوبی ویژه هستند و از همان آغاز به گونه‌ای شایسته زندگی مشترک خود را بنا می‌کنند و روز به روز بر استحکام پیوند خانوادگی می‌افزایند و ثمره زندگی مشترکشان نسلی سالم و صالح است که به جامعه انسانی تقدیم می‌کنند و از این طریق منشأ خدمات فراوان به اجتماع می‌شوند. بنابراین، برای مدیریت خانواده، اولین گام این است که زن و شوهر بر آگاهیهای خود در زمینه خانه و خانواده، چگونگی تأمین اقتصاد خانواده، روابط زن و شوهر، تربیت فرزند و غیره بیفزایند.

زن و شوهر در تدبیر امور خانه و خانواده وظایفی برعهده دارند که برخی از آنها عبارتند از:

1. تصمیم‌گیری: زن و شوهر باید قبل از هر چیز برای چگونگی انجام وظایف و مسئولیتهایی که شرع مقدس اسلام برعهده آنها گذاشته، تصمیم‌گیری کنند و برای این مقصد اطلاعات و آگاهیهای دینی خود در زندگی مشترک را به دقت بررسی کنند و درصدد یافتن راه چاره باشند.

2. برنامه‌ریزی: پس از آنکه زن و شوهر در مسائل زندگی به تصمیم‌گیری رسیدند، برای تحقق بخشی و اجرای آن، به برنامه‌ریزی نیاز دارند. آنها برای ساختن زندگی آرمانی، باید حتی برای کارهای ساده زندگی خود برنامه‌ریزی کنند.

3. سازماندهی: هدف از سازماندهی در اینجا، تقسیم کار در مجموعه خانواده است؛ به‌گونه‌ای که زن و شوهر، به وظیفه و مسئولیت خود آشنا شوند و بر همان اساس انجام وظیفه کنند.

تعیین حدود مسئولیت افراد در خانواده، عدالت را به زندگی مشترک هدیه می‌کند و سبب شادابی و نشاط و پویایی خانواده می‌شود. شایسته آن است که زن و شوهر در سازماندهی، به فرزندان نیز توجه کنند و آنها را در اداره امور خانواده سهیم سازند تا از سنین کودکی و نوجوانی با شخصیت بار آیند و احساس مسئولیت کنند.

4. هماهنگی: خوب بودن زن و مرد برای موفقیت در زندگی مشترک کافی نیست، بلکه ترکیب صحیح و هماهنگ آنها عامل موفقیت است. از این رو، ارتباط آنها با یکدیگر هرگز نباید به شکل تحکم و استبداد درآید. آنان باید با صمیمیت و مهربانی و اخلاق اسلامی سلامت خانواده را تضمین کنند.

5. ایجاد انگیزه: از وظایف سنگین زن و شوهر در اداره خانواده، ایجاد انگیزه در یکدیگر و فرزندان است. هیچ کس بدون انگیزه سراغ کاری نمی‌رود. از این رو، هر کدام از آن دو باید با درایت و هنرمندی خود، انگیزه، نشاط، عشق به زندگی و روحیه خدمتگزاری را در طرف مقابل زنده کنند تا فرزندان نیز از فضای ایجاد شده تأثیر پذیرند و با روحی متعالی بار آیند. تعالیم اسلامی برای ایجاد انگیزه در محیط خانواده در میان زن و شوهر و فرزندان کم نیست. به عنوان مثال، ابراز محبت، هدیه دادن، گوش دادن به درد دل‌های یکدیگر، درک موقعیت همسر و احترام متقابل - که در اسلام به آنها سفارش شده است - آنان را امیدوارتر و با انگیزه‌تر می‌کند.

6. بررسی عوامل موفقیت و شکست

گاه زن و شوهر بر اثر ناآگاهی و کمی تجربه در زندگی مشترک موفقیت چندانی حاصل نمی‌کنند و به آرمان خود نمی‌رسند. آنان در این گونه موارد چگونه می‌توانند از ناکامیهای خود پل‌ی برای پیروزیهای آینده بسازند، ضعفها را بشناسند، کمبودها را حس کنند و موضع‌گیریهای نادرست را اصلاح نمایند؟ در صورت بروز چنین امری باید با مشاوره مکرر با یکدیگر و یا اهل خیره علل را بررسی کنند و درصدد چاره‌جویی برآیند. بدیهی است که برای چنین کاری لازم است حقایق تلخ زندگی خود را با تسلط بر نفس با دقت بررسی کرد، از توجیه و یا گناه خود را به گردن دیگران افکندن پرهیز نمود، تعصب و رو در واسی را کنار گذاشت و با توکل و استمداد از خدا برای رسیدن به زندگی آرمانی برنامه‌ریزی کرد.

7. تشویق: زن و شوهر باید در اداره امور خانه و خانواده و از خدمات صادقانه یکدیگر قدردانی کنند و تشویق را در متن کار خود قرار دهند. به کارگیری تشویق در تربیت فرزند از اهمیت خاصی برخوردار است؛ چنان‌که تنبیه و توبیخ نیز اگر بجا و اصولی صورت گیرد، در اصلاح اخلاق و رفتار آنها مؤثر است.

آسیبهای سوء مدیریت در خانواده

منظور از سوء مدیریت در خانه و خانواده این است که مرد به عنوان سرپرست خانواده نتواند خوب مدیریت کند و برای تأمین هزینه زندگی و برآوردن نیازهای زن و فرزند توانایی لازم و کافی نداشته باشد و در هدایت و حمایت از آنها کوتاهی کند، روابط سالم با اعضای خانواده نداشته باشد و فضای خانواده را با تندی و خشونت به محیطی نا امن تبدیل کند. زن نیز به عنوان مدیر داخلی با سوء تدبیر خود نتواند خوب شوهرداری کند و در سامان دادن امور خانه و تربیت صحیح فرزندان عاجز بماند. بدیهی است که این سوء مدیریت از ناحیه زن یا شوهر و یا هر دو، آسیبهایی جدی و جبران‌ناپذیری به خانواده و اجتماع وارد می‌سازد.

1. خانواده: آسیبهای سوء مدیریت در خانه و خانواده دامن زن و شوهر و فرزندان را می‌گیرد و بنیان خانواده را سست می‌سازد. برخی از این قبیل آسیبها عبارتند از:

1-1. محرومیت از لذت زناشویی: اولین ضربه سوء مدیریت زن و شوهر در خانواده متوجه خود آنان می‌شود به گونه‌ای که لذتی از زندگی مشترک نمی‌برند، از صفای اتحاد در جان محروم می‌گردند و همچون دو بیگانه زندگی را سپری می‌کنند. مردی که در خانواده مستبد و خودرأی است، تحکم می‌کند و به وظایفش در برابر همسر خود به خوبی عمل نمی‌کند، لذت زندگی را از او می‌گیرد و او را به انواع اضطرابها، دلهره‌ها و نگرانیها دچار می‌سازد. زنی هم که هنر دلبری ندارد، نمی‌تواند زندگی را به خوبی سامان دهد. با بی‌صبری، نق و غر زدن، توقعات بی‌جا و زبان درازی در برابر شوهر، روزگار را برایش تیره می‌سازد و آسایش و راحتش را بر هم زده، لذت زندگی را از او می‌گیرد.

2-1. محرومیت فرزندان از تربیت صحیح: فرزندان که اسیر دست پدر و مادری مستبد و جاهل و خودخواه و بی‌تدبیرند، به سبب فضای ناامنی که برایشان ایجاد شده، از تربیت صحیح محروم می‌گردند. خانواده، که باید امن‌ترین پناهگاه فرزندان باشد بر اثر سوء مدیریت پدر و مادر به جهنمی سوزان مبدل می‌شود. فرزندان در چنین خانواده‌ای احساس بی‌پناهی می‌کنند. سوء مدیریت والدین موجب اضطراب روحی فرزندان شده، آنان را در معرض انواع اختلالات رفتاری و انحرافات اخلاقی قرار می‌دهد.

3-1. فروپاشی خانواده: مهم‌ترین آسیب سوء مدیریت زن و شوهر این است که روابط آنها را تیره می‌سازد و این تیرگی روابط به مرور منجر به نزاع و کشمکش می‌شود و در پاره‌ای از موارد به جدایی آنان می‌انجامد. اگر زن نتواند با درایت خود نیازهای عاطفی و جنسی شوهر خود را برآورد و نتواند زندگی او را سامان دهد و اگر مرد نتواند از زن خود همسری آرمانی بسازد و نیازهای گوناگون او را برطرف سازد، زمینه را برای انحراف یکدیگر فراهم خواهند ساخت و ثمره این بی‌کفایتی در تدبیر خانواده، سستی و فروپاشی خانواده است.

2. اجتماع

سوء مدیریت زن و شوهر در خانواده به طور غیر مستقیم بر اجتماع تأثیر نامطلوب می‌گذارد که عبارتند از:

2-1. محرومیت از عواطف اجتماعی: چون سوء مدیریت زن و شوهر روابط آن دو را تیره می‌سازد و هر یک از آنها از محبت خالصانه دیگری محروم می‌گردد، به طور غیر مستقیم در اجتماع تأثیر گذاشته، اجتماع را از عواطف انسانی محروم می‌سازد. همسر و فرزندان که گرفتار سوء مدیریت زن در خانواده‌اند، از محبت خالصانه‌اش محروم می‌گردند، نمی‌توانند در اجتماع با رویی گشاده و اخلاقی پسندیده ظاهر شوند و به دیگران ابراز عواطف کنند. زنی هم که قربانی سوء مدیریت شوهر است و از محبت و عواطف او محروم است، نمی‌تواند با دوستان و آشنایان و بستگان و همسایگان خود روابط عاطفی برقرار کند.

2-2. محرومیت از انسانهای صالح: زن، به طور غیر مستقیم در ساختن اجتماع نقش دارد. زن، مرد را می‌سازد و مرد اجتماع را. زن، به دو صورت می‌تواند مرد را بسازد: یکی اینکه فرزند خویش را تربیت کند و به اجتماع تحویل دهد. دیگر اینکه، شوهر را مرد کامل کند و روانه اجتماع سازد. حال اگر زن سوء مدیریت داشته باشد و نتواند تأثیر فرهنگی لازم بر شوهر و فرزندان داشته باشد، به همان مقدار اجتماع را از وجود انسانهای صالح و شایسته محروم خواهد ساخت.

3-2. شیوع مفاسد اجتماعی: ریشه بسیاری از مفاسد اجتماعی، بی‌بند و باریها و بزهکاریها به خانواده، تربیت خانوادگی و سوء مدیریت زن و شوهر برمی‌گردد و این مطلبی است که کسی نمی‌تواند آن را انکار نماید.

فصل دوم: شوهرداری

مقدمه

از نقشهای مهم زن در خانه و خانواده، نقش همسری اوست. خداوند، زن را جفت مرد و مایه آرامش و سکون او آفریده است. ارزش همسر خوب را با مال و زیورآلات دنیا نمی‌توان سنجید. همسر شایسته، در روایات اسلامی، مایه سعادت‌مندی مرد و خیر دنیا و آخرت معرفی شده است و او را کارگزار خداوند سبحان لقب داده‌اند. وظیفه اصلی زن در نقش همسری، خوب شوهرداری کردن است. شوهرداری عبارت است از: نگره‌داری و مراقبت از شوهر، فراهم‌سازی اسباب رضایت خاطر او، به دست آوردن دل او، مراقبت اخلاق و رفتار او، تشویق او به کارهای نیک و بازداشتنش از کارهای بد، تحمّل او و سختیهای زندگی‌اش برای رضای خدا، نظارت بر بهداشت و تغذیه‌اش، و خلاصه از او مدیری لایق و کاردان، مربی و پدري نمونه، انسانی محبوب و آبرومند و شخصیتی مفید و مؤثر ساختن.

اهمیت شوهرداری: شوهرداری از نظر اسلام ارزشی معادل جهاد دارد. زنی که در سنگر خانواده با تمام وجود خود، با عشق و امید و شور و نشاط انجام وظیفه می‌کند، در اجر و پاداش همانند مجاهدی است که جان خویش را در طبق اخلاص گذاشته و در راه خدا با دشمن می‌جنگد.

اصول شوهرداری: منظور از این اصل، آن دسته حقوق، تعهدات و تکالیفی است که برعهده زن گذاشته شده است. از نظر اسلام، حق شوهر بر زن از همه حقوق برایش بالاتر و او تنها در پرتو ادای حق شوهر است که می‌تواند حق خدا را ادا کند. برخی از اصول شوهرداری براساس ضوابط اسلامی عبارت است از:

1. تمکین: براساس شرع مقدس اسلام زنی که عقد دائم شده، باید خود را برای هرگونه لذتی که شوهر می‌خواهد تسلیم نماید و بدون عذر شرعی حق ندارد از مباشرت با او ممانعت کند. اسلام، روابط جنسی زن و مرد را فقط در قالب ازدواج و محیط خانوادگی پذیرفته است و این امر علاوه بر اینکه موجب امنیت روانی زوجین می‌شود، خانواده را نیز از خطر فساد و فروپاشی نجات می‌دهد.

2. اطاعت و فرمانبری: بر زن واجب است در استمتاعات، بیرون رفتن از خانه و برخی اعمال مستحبی که با حقوق شوهر منافات دارد، از شوهرش اطاعت کند و شوهر در چارچوب مقرر شرعی باید انتظار اطاعت از همسرش داشته باشد، همسر نیز در خارج از آن چارچوب ملزم به اطاعت نیست.

3. آراستگی: در اسلام سفارش شده است که زن، خود را تنها برای شوهر بیاراید و زینت کند، زیباترین لباسها را بپوشد، خود را معطر و خوشبو نماید و به بهترین شکل ممکن برای شوهرش دلبری کند. زن حق ندارد آرایش و زیبایی خود را به نامحرمان ارزانی کند. رسول خدا (ص)، زنی را که خود را خوشبو کند و از منزل خارج شود، تا به خانه برگشته از رحمت خدا دور دانسته است.

همان حضرت می‌فرماید: «بهترین زنان شما زنی است که مطیع شوهر است، برای او آرایش می‌کند، ولی زینتش را برای بیگانگان ظاهر نمی‌سازد و بدترین زنان شما زنی است که در غیاب شوهر زینت می‌کند.»

4. پاسداری از حریم عفاف: از جمله مسائلی که مهر و صفای شوهر را به همسرش افزون و بنیان خانواده را مستحکم می‌سازد این است که زن، حریم عفاف و ارزشهای خانوادگی را حفظ کند. مهم‌ترین توقع شوهر از همسرش این است که در نهایت عفت و پاکی باشد، دست و دل و دیده از نامحرم دور بدارد و از تماس با

نامحرممان بپرهیزد؛ چرا که حفظ ناموس از بزرگ‌ترین تعصباتی است که در مردان وجود دارد. زن باید تنها از آن شوهرش باشد و هرگز و به هیچ عنوان نباید دست بیگانه‌ای به او برسد.

رسول خدا (ص) می‌فرماید: «هر زن شوهرداری که چشمش را از نگاه حرام به غیر شوهرش پر کند، مغضوب پروردگار جهان است» همان حضرت می‌فرماید: «ای علی، چهار چیز کمرشکن است: ... یکی از آنها زنی است که شوهرش از او محافظت نماید، ولی او به شوهر خود خیانت می‌کند.»

5. مدیریت خانه: مدیریت داخلی خانه در اسلام، تکلیفی الزامی بر زن نیست، بلکه او براساس سنت اسلامی و از نظر اخلاقی خود را به چنین کاری متعهد می‌شمارد و به آن تن می‌دهد. زن برای حفظ و تحکیم بنیان خانواده وظیفه دارد کانون خانوادگی را برای زندگی مشترک گرم نگه دارد؛ به گونه‌ای که مرد رغبت کند در آن زندگی نماید و یا پس از پایان کار روزانه علاقه‌مند شود به سوی خانه بیاید و در آنجا آسایش و آرامش پیدا کند.

6. خوش اخلاقی: اسلام از زن خواسته است که در تعامل با شوهر خوش اخلاق باشد. خوش اخلاقی در سخنی از امام صادق (ع) این است که زن با نرمخویی و دور از تندخویی با شوهرش رفتار کند، پاکیزه سخن بگوید و با خوش‌رویی با او رو به رو شود.

زن خوش اخلاق با نرمخویی، شیرین‌زبانی و چهره‌ای گشاده و لبی خندان، دل شوهرش را شکار می‌کند، عشق و محبت او را به خود جلب می‌نماید و او را به زندگی علاقه‌مند و امیدوار می‌سازد، غم و اندوه را از دل او می‌برد و زندگی را سرشار از نشاط و شادی می‌کند.

رسول خدا (ص) می‌فرماید: «خوش خلقی، دوستی و محبت را پایدار می‌سازد.»

راه و رسم شوهرداری

زنانی که در برخورد با شوهر آداب و اخلاق اسلامی را مراعات می‌کنند، از بهترین زنان شمرده شده‌اند و از آنان ستایش شده است. پیامبر اکرم (ص) از زنان برتر و نمونه با اوصاف زیر یاد می‌کند: «بچه‌آور، مهربان [و شوهردوست]، محجوب و پاکدامن، عزیز و محترم نزد خویشان و متواضع و تسلیم در برابر شوهر، محافظت از خود در برابر بیگانه، حرف‌شنو و مطیع نسبت به شوهر»

درباره بدترین زنان نیز می‌فرماید: «بدترین زنان شما ... زنی است که نزد خویشانش دلیل و بی‌مقدار است، به شوهرش بزرگی می‌فروشد، نازا و کینه‌توز است، از کار زشت روی نمی‌گرداند، در غیاب شوهر، خود را می‌آراید و در حضور وی بی‌آلایش است، از شوهرش حرف نمی‌شنود، عذرش را نمی‌پذیرد و از خطایش در نمی‌گذرد.»

شوهرداری آداب و راه و رسمی دارد که برخی از آنها به قرار زیر است:

1. عشق‌ورزی و دلبری: مرد، تشنه محبت است و زن می‌تواند با عشق‌ورزی به او در روح و جانش نفوذ کند، به او امید و نشاط بخشد، اضطراب و نگرانی او را برطرف سازد و به ساحل آرامش رهنمونش نماید.

رسول خدا (ص) می‌فرماید: «وظیفه زن این است که ملازم خانه شوهر باشد، به او عشق بورزد، از خشم او دوری جوید، آنچه رضای شوهرش است انجام دهد و به پیمانهایش وفادار باشد.»

زن باید با آرایش و زینت، پوشیدن لباسهای زیبا، نرمخویی، گشاده‌رویی، شیرین‌زبانی، صداقت و پاکی و مانند آن دلبری کند و محبت شوهر را به خود جلب نماید.

2. گرمی داشتن شخصیت شوهر: مرد نیز مانند زن دوست دارد محترم و گرمی باشد، تحقیر و توهین، خاطرش را آزرده می‌سازد و نشاط و توانایی کار و زندگی را از او می‌گیرد. ولی اگر به او احترام نهند، احساس بزرگی و شخصیت می‌کند، نیرو می‌گیرد و برای تلاش و فعالیت بیش‌تر آماده می‌شود. به استقبال شوهر رفتن و

خوش آمدگویی به او، سلام و احوال‌پرسی، ادب و نزاکت در گفتار، پرهیز از توهین و تحقیر شوهر به هر شکلی، قطع نکردن کلام او در هنگام سخن گفتن، محترمانه او را صدا زدن، تعریف و تمجید از او نزد دیگران و مانند آن، اموری هستند که زن به وسیله آنها می‌تواند شخصیت شوهرش را گرمی بخشد.

3. وفاداری: ازدواج، قرارداد و پیمانی است که زن و شوهر با امضای آن دست بیعت به هم می‌دهند که در همه حال با هم و یار و غمخوار یکدیگر باشند. رشته الفت و محبت زن و شوهر به یکدیگر باید به قدری نیرومند باشد که در هر حال بر سر عهد و پیمان خویش بمانند و در خوشی و ناخوشی، در بیماری و سلامت و در وسعت و تنگدستی با هم باشند.

انسانیت و شرافت اقتضا می‌کند که زن و شوهر تا پایان عمر بدین پیمان مقدس وفادار مانند و در مشکلات زندگی و حوادث روزگار عهد خویش را فراموش نکنند. قرآن کریم مؤمنان را به وفاداری به عهد و پیمان ستوده، می‌فرماید: *وَالْمُؤْمِنُونَ بَعْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا*. (بقره: 177) آنان کسانی هستند که به عهد خود، هنگامی که عهد می‌بندند وفا می‌کنند. و از پیمان شکنی نهی کرده، می‌فرماید: *وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَقَظَتْ غَزَلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا*. (نحل: 92) همانند آن زنی نباشید که پشمهای تابیده خود را پس از استحکام وامی‌تابند.

4. تشکر و قدردانی: رسم شوهرداری این است که وقتی زن می‌بیند همسرش برای تأمین هزینه زندگی زحمت می‌کشد و حاصل دسترنج خود را در طبق اخلاص نهاده و رایگان به او تقدیم می‌کند، یا اسباب و لوازم زندگی تهیه کرده و به منزل می‌آورد و ... از کارهایش قدردانی و تشکر کند.

امام صادق (ع) می‌فرماید: «بهترین زنان شما زنی است که وقتی شوهرش چیزی آورد سپاسگزاری کند و اگر نیاورد، راضی باشد.»

5. صبر و بردباری: در روایات، صبر و شکیبایی زن در برابر فقر و نداری، بداخلاقی شوهر، ناملایمات و آزارهایی که از زندگی با شوهر می‌بیند، جهاد شمرده شده است. زن صبور از آتش جهنم ایمن است.

رسول خدا (ص): زنی که بر بداخلاقی شوهرش صبر کند، خداوند پاداش آسیه همسر فرعون را به او می‌دهد.

6. خوش بینی: زن باید از کار شوهر و مشکلات شغلی او آگاه باشد، تا دیر آمدن او را به خانه به حساب چیزهای دیگر نگذارد، اگر شوهر پس از ورود به خانه از خود بداخلاقی نشان می‌دهد، گمان نکند که او از زن و فرزند بیزار است، بلکه این تندگی را به حساب خستگی فکری و ناراحتی‌هایی بگذارد که محیط بر شوهرش تحمیل کرده است. بدبینی بلای خانمان سوزی است که اگر زنی گرفتارش شود، زندگی را بر شوهر و فرزندانش به جهنمی سوزان مبدل می‌سازد و بنیان خانواده را سست می‌کند.

رسول خدا (ص) می‌فرماید: «هر کس به مرد یا زن مؤمن تهمت زند، خدا در روز قیامت، او را بر تلی از آتش نگه می‌دارد تا به کیفر اعمالش برسد.»

7. عفو و گذشت: زندگی زناشویی بدون گذشت و چشم‌پوشی دوام نمی‌یابد. زن شایسته از لغزشهای شوهر درمی‌گذرد و عذرش را می‌پذیرد. در روایتی از پیغمبر اکرم (ص) زنی که عذر شوهر را نمی‌پذیرد و از خطاهایش در نمی‌گذرد، از بدترین زنان شمرده شده است. همان حضرت می‌فرماید: از یکدیگر درگذرید، تا کینه‌ها از میانتان رخت بریندد.

8. رازداری: زندگی زناشویی و تمام آنچه زن از زندگی خانوادگی، اخلاقیات شوهر و راز و رمزهای زندگی مشترکشان می‌داند و اطلاع دارد، اسراری است که باید در نگهداری آن بکوشد و برای هیچ‌کس حتی خویشان و

نزدیکان و دوستان صمیمی‌اش بازنگوید. چه ضرورتی دارد که انسان سفره دلش را برای هر کس و ناکس باز کند و زندگی زناشویی‌اش را به خطر بیندازد.

امام صادق (ع) فاش‌سازی اسرار را موجب سقوط دانسته است: «أفشاء السرِّ سقوطاً». لذا توصیه می‌کند: «هر زنی راز شوهرش را پنهان نماید، به طوری که هیچ کس بر آن آگاه نشود، در درجه و ردیف حور العین خواهد بود، مگر اینکه آن راز، معصیت و در غیر اطاعت پروردگار باشد که پنهان کردنش برای بانوان حلال نیست.»

9. آداب دیگر: برخی دیگر از آداب و اخلاقیات شوهرداری به طور خلاصه عبارت‌اند از: آمادگی برای ورود شوهر به خانه و استقبال از او، برخورد مناسب در برابر خشم و غضب شوهر مانند سکوت و عکس‌العمل نشان ندادن در برابر او تا شعله خشمش فرو نشیند، جلب رضایت او، عیبجویی نکردن و نق نزدن برای او، پرهیز از بهانه‌جویی و توقعات بیجا، آزار ندادن و زخم زبان و طعنه نزدن به او، هنگام سخن گفتن شوهر با جان و دل به حرفه‌پایش گوش دادن و منت نهادن بر شوهر. رسول خدا (ص) می‌فرماید: بهترین زنان، زنی است که وقتی خشمگین شود یا شوهرش بر او خشم گیرد، به شوهرش بگوید: دستم را در دست تو می‌گذارم تا از من راضی نشوی، خواب به چشمم نمی‌رود.

درک موقعیت شوهر

زن شایسته از وقتی که قدم به خانه شوهر می‌نهد، می‌کوشد روحیات و موقعیت ویژه همسرش را با زیرکی دریابد و خود را با شرایط خاص مادی و معنوی شوهرش سازگار کند. او با درایت می‌نگرد و می‌اندیشد که شوهرش چه موقعیتی دارد و چگونه مردی است. شغل شوهر و مسئولیت اجتماعی او چه اقتضائات و دشواریهایی دارد و او در برابر این موقعیت چه نقشی می‌تواند ایفا کند تا شوهرش موفقیت بیش‌تری کسب نماید و خدمات مؤثرتری برای کشور و هم‌نوعانش ارائه دهد.

بدون تردید خانه محل آرامش و آسایش مرد است. او وقتی از میدان مبارزات زندگی و برخورد با حوادث و مشکلات آن خسته می‌شود، به خانه پناه می‌برد تا تجدید نیرو کند و خویشتن را برای حضور در صحنه اجتماع و انجام مسئولیت‌های اجتماعی آماده نماید و ریاست این آسایشگاه مهم برعهده زن گذاشته شده است. حال اگر زن از مسئولیت سنگین و حساس خود در برابر شوهرش آگاه باشد و از حدود تأثیر و نفوذش در روحیه شوهر مطلع باشد بهترین نقش را در زندگی شوهرش ایفا می‌کند، او را در انجام مأموریتها و مسئولیت‌های اجتماعی‌اش یاری می‌دهد و بزرگ‌ترین پشتوانه روحی‌اش خواهد شد. به جهت چنین نقشی است که اسلام شوهرداری را در ردیف جهاد قرار داده است.

امام علی (ع) می‌فرماید: جهاد زن به این است که خوب شوهرداری کند. اگر زن، موقعیت شوهرش را به خوبی درک کند و خوب شوهرداری نماید نه تنها اسباب عظمت و ترقی او را فراهم خواهد ساخت، بلکه در خدمت او به اجتماع نیز شریک خواهد شد.

سازگاری

سازش و مدارای زن و شوهر در زندگی جزء واجبات است و دوام زندگی مشترک به این سازگاری وابسته است. منظور از سازگاری در اینجا تحمل، ساختن و تطبیق خود با شرایط و وضعیتی است که پس از ازدواج برای زوجین در زندگی مشترک پیش آمده است؛ به گونه‌ای که خود را با شرایط و وضعیت جدید تطبیق دهند، با یکدیگر همراهی و سازش کنند و از یکدیگر دلسرد نشوند که بگویند این مرد یا این زن دیگر به درد من

نمی‌خورد. سازگاری وظیفه‌ای است که اسلام برعهده زوجین قرار داده است و آنها باید سازگار باشند. اگر به این دستور اسلام در زندگی زناشویی عمل شود، هیچ خانواده‌ای متلاشی نمی‌شود و از بین نمی‌رود. متلاشی شدن خانواده‌ها بیشتر برای این است که زن و شوهر یکدیگر را ملاحظه و رعایت نمی‌کنند.

اگر زن عیبی در شوهر خود می‌بیند، باید بداند که هیچ انسانی بی‌عیب نیست. خود او نیز ممکن است عیبی داشته باشد. از این رو، براساس پیمانی که با ازدواج با شوهرش بسته است، باید بنا را بر تحمل بگذارد. حال، اگر اصلاح‌پذیر است، با درایت و هنرمندی اصلاحش کند، ولی اگر دید اصلاح نمی‌پذیرد شایسته آن است که با او بسازد و زندگی را از آنکه هست بر خود تلخ‌تر نکند.

رسول خدا (ص) می‌فرماید: «زنی که با شوهرش نسازد و او را بر چیزهایی وادارد که بیش از توانایی اوست، اعمالش مقبول خدا نیست و در قیامت، مغضوب پروردگار جهان است.»

آرامش‌بخشی

فلسفه زندگی خانوادگی - علاوه بر تداوم نسل، تربیت نسل صالح و ارضای نیازهای طبیعی و غریزی - آسایش و آرامش و کمک گرفتن مرد از نیروی نشاط زن است. مرد و هر کسی که کار فرساینده می‌کند به کانونی نیاز دارد که آسایش‌بخش روح و فراموشخانه رنجهای روزانه‌اش باشد و به او تسلی خاطر و اطمینان بدهد.

زن که مظهر جمال خداوند است، مایه آرامش و سکون مرد آفریده شده است و اوست که اضطراب، و پریشانی روحی مرد را درمان می‌کند و در محیط خانواده به آرامش رهنمونش می‌سازد.

قرآن می‌فرماید: «از نشانه‌های خدا اینست که از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد. آری، در این نعمت برای مردمی که می‌اندیشند قطعاً نشانه‌هایی است.» (روم: 21)

البته معنای آرامش‌بخش بودن زن برای مرد، آن نیست که مرد نباید مایه سکون و آرامش زن باشد، بلکه منظور این است که زن در این جهت نقش محوری دارد. او مظهر انس و محبت و آرامش است و از این جهت مجهزتر و غنی‌تر از مرد است. خداوند قابلیت‌ها و توانایی‌های بیش‌تری از این نظر به زن داده است و غلبه با اوست و گرنه مرد نیز موظف است تکیه‌گاه زن و مایه انس و آرامش او باشد؛ چنان‌که امام علی (ع) چنین آرامشی را حق زن دانسته، می‌فرماید: «حق زن این است که با او مهربانی کنی، همدم و آرامش‌بخش وی باشی.»

1. عوامل از میان رفتن آرامش

برخی از مهم‌ترین عواملی که در محیط خانواده آرامش را بر هم می‌زنند، اضطراب و دلهره و نگرانی می‌آفرینند، دل شوهر و فرزندان را می‌لرزاند و بهار خرم زندگی زناشویی را خزان می‌کنند، عبارتند از:

1-1. سختی‌های زندگی: فشارهای ناشی از مشکلات زندگی، دشواری کار و مسئولیت، فقر و نداری و مانند آن که مرد با آنها دست و پنجه نرم می‌کند همواره فکر و ذهن او را مشغول و در او ایجاد نگرانی می‌کند. او در این فکر است که چگونه از این گردونه نجات یابد و کشتی خانواده را به سلامت به مقصد برساند.

2-1. احساس ناخشنودی: از عوامل نگرانی و اضطراب مردان به ویژه در آغاز زندگی مشترک این است که احساس می‌کنند به آرمان خود دست نیافته‌اند و زن او آن کسی نیست که بتواند او را خوشبخت کند. به ویژه اگر در تعامل با همسر خویش شواهدی در این جهت پیدا کند، نگرانی‌اش افزون می‌شود.

3-1. احساس تنهایی: ممکن است مرد در زندگی از دوست و آشنا و دیگر افراد خیانتها و بی‌وفایی‌هایی دیده باشد و از این جهت خود را تنها و بی‌یار و یاور احساس کند و نگران باشد و احساس کند همسر او نیز یکی از آنهاست و نمی‌تواند او را از این تنهایی درآورد.

4-1. بدبینی آزاردهنده: عامل دیگری که ممکن است آرامش مرد را در خانواده بر هم زند این است که ببیند همسرش به او اعتماد ندارد و به جهت بدبینی دائم او را می‌پاید و به او ایراد می‌گیرد.

5-1. جدال بیهوده: گاه بگومگوهای بیهوده همسرش روزگار او را سیاه می‌کند. او می‌بیند جو حاکم بر زندگی خانوادگی آرام نیست. بر سر کوچک‌ترین مسئله با او جدال می‌شود، او را می‌آزارند، تحقیر و یا توهین می‌کنند.

6-1. شرارت‌های برخی فرزندان: عامل دیگری که خانواده را دچار اضطراب می‌کند نا آرامی و شرارت برخی فرزندان است. حرف مرد به عنوان پدر در خانه و نزد فرزند خریدار ندارد. جایگاه او در خانواده متزلزل شده است. خانه، که باید محیط امنیت و آسایش او باشد، به جهنمی سوزان و تحمل‌ناپذیر تبدیل شده است.

7-1. کاهش روابط صمیمانه خویشاوندی: گاهی مرد یا زن می‌بیند پس از ازدواج، روابط صمیمی او با بستگانش تیره شده است. سردی روابط بر اثر انحطاط اخلاقی، تنشها، خصومت‌های بی‌مورد، حسادت‌ها، نمانیها و مانند آن، انسان را آزرده خاطر می‌کند.

2. نقش زن در آرامش بخشی

همسر شایسته و با کمال به محیط خانواده آرامش می‌دهد و با عوامل اضطراب و نگرانی که ممکن است زندگی زناشویی او را به مخاطره اندازد، مبارزه می‌کند. او سختیهای زندگی را در گفتار و عمل آسان جلوه می‌دهد و به دلجویی از شوهرش می‌پردازد که فقر و نداری، بی‌مسکنی و سختیهای زندگی نباید آنها را از پا درآورد و دنیا با این سختیها همراه است و برای سختی‌های دنیایی نباید غصه خورد.

زن با انس و محبت سرشاری که خداوند به او داده، شوهرش را سیراب کرده، احساس تنهایی او را به همدلی و اتحاد مبدل می‌سازد. او با هنرمندی و زیرکی و انجام دادن وظایف خود در برابر شوهر به او اطمینان می‌دهد که همسر آرمانی اوست و می‌تواند او را سعادتمند کند.

زن با کمالات خود، خودسازی، انس با خدا و استمداد از او می‌تواند نگرانی ناشی از احساس ناخشنودی از زندگی شوهر را به اطمینان و آرامش تبدیل کند. زن می‌تواند با پرهیز از بدبینی و بدگمانی و اعتماد به همسرش به او ثابت کند که در دلش جای دارد و ذره‌ای به او و کارهایش شک ندارد. زن با مدیریت صحیح کانون خانواده، گذشت و فداکاری، صبوری، کم کردن توقعات، چشم‌پوشی از لغزشهای شوهر در زندگی مشترک، پرهیز از جدال بیهوده، در نظر گرفتن خشنودی خدا و با اخلاق خوش و کریمانه‌اش در برخورد با شوهر و فرزندان، آرامش و نشاط را به زندگی مشترک هدیه می‌کند. نقش ایمان زن را در ایجاد این آرامش و نشاط نباید از نظر دور داشت. هر چه زن از قدرت ایمان بیشتر برخوردار باشد، در ایجاد محیطی صمیمی و گرم و آرام تواناتر خواهد بود.

همکاری و کمک به شوهر

بزرگ‌ترین موفقیت برای زن اینست که همکار خوبی برای شوهرش باشد. مراد از همکاری، بیش‌تر همکاری روحی است؛ به این معنا که: زن ضرورت‌های مرد را درک کند، فشار اخلاقی بر او وارد نسازد، کاری نکند که او در امر زندگی مستأصل شده و به راههای نادرست متوسل بشود. او را به ایستادگی و مقاومت در میدانهای زندگی تشویق کند و تحریص نماید. اگر چنانچه کار او مستلزم این است که یک مقداری به وضع خانوادگی مثلاً رسیدگی کافی نداشته باشد، این را به رخ او نکشد، اینها مهم است. اینها وظیفه‌هایی است از طرف زن.

کمک واقعی به شوهر این است که هرگاه شوهرش در زندگی گرفتاری و مشکلی پیدا می‌کند، تردید و ابهامی برایش رخ می‌دهد، در چنین موقعیتی باید همسرش به او کمک کند، غم را از دل او بردارد، او را راهنمایی کند، اشتباهش را برطرف نماید و اگر می‌بیند خطایی از او سر می‌زند مانع شود.

مراقبت اخلاقی

مهم‌ترین کمک زن به شوهرش این است که بکوشد او را دیندار نگه دارد و مراقب باشد که همسرش دیندار بماند و خطای دینی نکند. البته این مواظبت به معنای پاسبانی و دیده‌بانی نیست، بلکه مراقبت مهربانانه و پرستارانه و مراقبت اخلاقی است. اگر خانم خانه می‌بیند شوهرش دارد دچار یک انحرافی می‌شود، فرضاً در یک معامله نامشروعی دارد می‌افتد، توی رفیق‌بازیهای ناسالم دارد می‌افتد، اول کسی که باید او را حفظ کند، اوست؛ البته حفظ کردن هم، با محبت کردن و با زبان خوش و با منطق صحیح و با برخورد مدبرانه و حکیمانه حاصل می‌شود نه با بداخلاقی و قهر و این چیزها.

اگر زن می‌بیند که شوهرش به مسائل دینی بی‌اعتنا، در نماز کاهل، به اخلاق اسلامی پایبند نیست، در امر محرم و نامحرم، پاکی و نجسی، حلال و حرام بی‌مبالا است، به مال مردم چندان اهمیت نمی‌دهد، به شغل دولتی کم اهمیت می‌دهد و در انجام وظیفه‌اش کوتاهی می‌کند، باید او را با حکمت و اخلاق خوش و ظرافت و زیرکی زنانه، وادار به آمدن در راه خدا کند آگاهش سازد به او توجه دهد و کمک کند که خویشتن را اصلاح نماید.

مشورت در زندگی

اهمیت مشورت در زندگی بر کسی پوشیده نیست. خداوند تعالی به رسول اکرم (ص) توصیه می‌کند در امور اجتماعی با مردم مشورت کند «و شاورهم فی الامر». (آل عمران: 159) شایسته انسان خردمند است که رأی و نظر خردمندان را بر رأی خویش بیفزاید. زن باید بکوشد در امور زندگی به شوهرش مشاوره دهد و در تصمیم‌گیریهای مربوط به زندگی خانوادگی مشارکت داشته باشد و به شوهرش کمک فکری بدهد. شوهر نیز نباید خود را از مشورت همسرش بی‌نیاز ببیند و سزاوار آن است که در امور زندگی از یکدیگر نظر بخواهند. قرآن کریم به مشاوره زن و شوهر با یکدیگر در امور خانواده و مسائل مهم تربیت فرزندان تصریح کرده است. در آیه‌ای می‌خوانیم: اگر پدر و مادر بخواهند با رضایت و مشاورت یکدیگر فرزندشان را از شیر بازگیرند مرتکب گناهی نشده‌اند. (بقره: 233)

منظور از «تساور» همفکری و هم‌رأیی و مشاوره میان زن و شوهر است و بدون تردید رضایت هر دو و نظر و رأی هر دو برای صلاح حال فرزند شرط شده است؛ چون مادر چیزهایی از تربیت فرزند می‌داند که پدر نمی‌داند. بنابراین اگر همفکری و رایزنی نکنند فرزند آسیب می‌بیند.

تثبیت جایگاه شوهر در خانواده

زن برای اینکه از شوهرش فردی با شخصیت، سرپرستی لایق و توانمند و پدری نمونه و با هیبت و مهابت بسازد، به گونه‌ای که بتواند به او تکیه کند و در سایه مهابت و اقتدارش فرزندان صالح تربیت نماید، لازم است حرمت و شخصیت او را در محیط خانه نگه دارد و جایگاه او را به عنوان بزرگ‌تر در محیط خانواده تثبیت کند؛ به گونه‌ای که همواره به سخن و تصمیم او بها دهد. همچنین زن باید به رأی و نظر مرد تکیه کند، فرزندان را به جایگاه ویژه‌اش به عنوان پدر توجه دهد و او را نزد فرزندان مهم جلوه دهد و اجازه حرمت‌شکنی به کسی ندهد. زن باید احترام و منزلت شوهر را چه در فضای خانواده و نزد فامیل و بستگان و چه در محیط اجتماع نگه دارد، شخصیت او را حفظ کند، اسرارش را فاش نسازد، پشت سر او عیبجویی و بدگویی نکند و در جمع فامیل و بستگان از او به بزرگی یاد کند.

رسول خدا (ص) درباره ویژگیهای همسران شایسته، کمال و ادب را از جمله امتیازات شمرده، می‌فرماید:

«بهترین دختران [برای ازدواج] آنان هستند که میل و علاقه به او داشته باشی و از خرد و ادب برخوردار باشی.»

انجام وظایف زناشویی

زناشویی در اسلام برای زن و مرد امری مقدس است، از این بابت که نیمی از دین آنان را حفظ می‌کند و از معصیت جلوگیری می‌نماید. در اسلام، عمل زناشویی موجب تکامل معنوی و پاداش اخروی است. اسلام برای برآوردن نیاز هر کدام از زن و شوهر تمهیداتی چیده است و هر کدام از زن و شوهر را موظف کرده است که نیازهای جنسی یکدیگر را برآورده سازند.

امام باقر (ع) می‌فرماید: «بر زن لازم است خود را خوشبو کند، بهترین لباسهایش را بپوشد، به بهترین وجه زینت کند و با چنین وضعی صبح و شب با شوهرش ملاقات کند.»

به مردان نیز توصیه شده: «لباسهایتان را بشوئید، موهائیتان را اصلاح کنید، مسواک بزنید و آراسته و پاکیزه باشید؛ زیرا بنی‌اسرائیل چنین نکردند و زنانشان به فساد لغزیدند.»

اسلام برای برخورداری از نسلی پاک و سالم پیش‌بینیها و مراقبتهایی را از قبل معمول داشته است. تولید نسل باید از راه مشروع و براساس سنت محکم اسلامی باشد. گذشته از دقتهایی که اسلام در انتخاب همسر مبذول می‌دارد، مراقبتهایی را نیز در چگونگی زناشویی تا تولد فرزند توصیه می‌کند.

فاطمه زهرا (ع)، اسوه همسر شایسته

اسلام، فاطمه زهرا (ع) را به عنوان نمونه و اسوه زن معرفی می‌کند. زندگی فاطمه (ع) سراسر اسوه است. از آن جمله است شوهرداری آن حضرت.

حضرت فاطمه (ع) در نگهداری شوهرش حضرت علی (ع) که بزرگ‌ترین سردار اسلام بود، نمونه است. از وقتی که به خانه شوهر قدم نهاد، روحیات و موقعیت ویژه همسرش را با کیاست دریافت و به زودی توانست خود را با شرایط خاص مادی و معنوی ایشان سازگار کند. فاطمه (ع)، به تعبیر مقام معظم رهبری همسر مردی شد که تمام زندگی‌اش جهاد فی سبیل الله بود و در تمام قریب به یازده سال زندگی مشترک خود، هیچ سالی، بلکه هیچ نیم‌سالی نگذشت که این شوهر، کمر به جهاد فی سبیل الله نبسته و به میدان جنگ نرفته باشد و این زن بزرگ و فداکار، همسری شوی مجاهد خود و سرباز و سردار دایمی میدان جنگ را نکرده باشد.

فاطمه زهرا (س)، دلارام شوهرش بود. همواره او را تحسین و تشویق می‌کرد، فداکاریها و شجاعت‌هایش را می‌ستود و به این و سیله او را دلگرم و برای مبارزه‌های دیگر در میدان نبرد آماده می‌نمود و با نوازشهای بی‌شایب‌اش تن خسته و مجروحش را تسکین می‌داد. شوهرداری فاطمه (ع) را از زبان علی (ع) بشنوید: هرگاه به فاطمه می‌نگریستم تمام غم و غصه‌هایم برطرف می‌شد. فاطمه (ع) هرگز بدون اجازه علی (ع) از خانه خارج نشد، هیچ‌گاه او را غضبناک نکرد، هرگز به علی (ع) دروغ نگفت و هیچ‌گاه از دستوراتش سرپیچی ننمود.

فصل سوم: خانه‌داری

مقدمه

پس از شوهرداری، مهم‌ترین کار برای زن، خانه‌داری است. خانه، کانون انس و محبت، صفا و صمیمیت و آرامش و آسایش است، پرورشگاه مردان و زنان با فضیلت است، مرکز شخصیت‌سازی و کلاس تعلیم و تربیت کودکان است، جامعه کوچکی است که اجتماع بزرگ انسانها را به وجود می‌آورد، ترقی و تنزل و صلاح و فساد اجتماع به آن وابسته است و از این رو، اصلاح اجتماع را باید از اصلاح خانواده آغاز کرد. مدیریت این پایگاه حساس زندگی برعهده بانوان است و به عبارت دیگر ترقی و تعالی و صلاح و فساد جامعه در اختیار بانوان و به اراده آنهاست. خانه‌داری عبارت است از: اداره خانه، سر و سامان دادن به امور داخلی خانه، کدبانویی و تبدیل خانه به کانون صفا و صمیمیت و محیطی با نشاط برای زندگی.

ارزش خانه‌داری

خانه‌داری اگرچه از نظر شرعی بر زن واجب نیست و او حتی می‌تواند برای کارهای داخلی خانه از شوهرش مزد بگیرد، ولی چنین کاری سنتی اسلامی است که پایه‌هایش را پیغمبر اکرم (ص) بنا نهاده است و امام علی (ع) و فاطمه زهرا (ع) آن را پذیرفته و زندگی خود را براساس آن شکل داده‌اند. پیامبر (ص) کارها را میان آنان تقسیم کرد و کارهای خانه را به فاطمه (ع) سپرد و علی (ع) را به انجام دادن کارهای بیرونی موظف نمود. حضرت فاطمه (ع) در خانه گندم آرد می‌کرد، خمیر می‌ساخت و نان می‌پخت، خانه را نظافت می‌کرد و در یک جمله آن‌گونه که متعهد شده بود، به کارهای خانه می‌پرداخت و بر این تقسیم کار بسیار شادمان بود. در ارزش خانه‌داری همین بس که در روایات، بهترین وسیله برای قرب زن به خدا و کمال معنوی او دانسته شده است. شایسته آن است که بانوان مسلمان با تأسی از سیره فاطمه زهرا (ع)، پرداختن به کارهای خانه را به عنوان وظیفه‌ای اصلی و یک ارزش اسلامی بنگرند و بهترین حالت برای قرب به خدا و کمال معنوی خود بدانند.

راه و رسم خانه‌داری

پرداختن به امور خانه آدابی دارد که برخی از آنها عبارت است از:

1. مرتب و آراسته‌سازی خانه: براساس معیارهای اسلامی، در محیط خانواده احساس و سلیقه زن حاکم است و او باید برای سامان دادن امور داخلی خانه احساس هنری و سلیقه خود را به کار گیرد و خانه را به دلخواه خود بیاراید و مرد حق ندارد احساس و سلیقه خود را بر او تحمیل کند.

زن باید خانه را مرتب و منظم کند و به گونه‌ای زیبا و دلپذیر بیاراید که شوهر به خانه خود رغبت کند.

2. نظافت و بهداشت: محیط خانه باید پاکیزه و نظیف باشد. تمیز کردن خانه، شست و شوی لباسها و تطهیر فرش و موکت از آلودگیها و مانند اینها اموری است که فضای خانه را پاکیزه و دلپذیر می‌سازد. رسول خدا (ص) می‌فرماید: خاکروبها را شب در خانه نگذارید بماند؛ زیرا جایگاه شیطان است.

3. آشپزی: زنی که در پخت و پز و آشپزی مهارت دارد و با صرف بودجه‌ای کم غذاهای خوب تهیه می‌کند، از بهترین زنان شمرده شده است. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «بهترین زنان شما زنی است که خودش را خوش بو می‌کند و در آشپزی مهارت دارد و میانه‌روی را از دست نمی‌دهد. چنین زنی از کارکنان خداست و هرگز با شکست و پشیمانی مواجه نخواهد شد.»

زن کدبانو باید با ذوق و سلیقه، مراتب کاردانی خود را اثبات کند و خوش‌مزه‌ترین غذاها را تهیه نماید. رسول خدا (ص) چنین کاری را از وظایف زن شمرده، می‌فرماید: «وظیفه زن در برابر شوهر این است که چراغ خانه را

روشن و غذایی نیکو و شایسته تهیه کند. هنگامی که شوهر از کار یا اداره به منزل می‌آید، دو گونه گرسنه است: نخست گرسنه غذا و دیگر گرسنه محبت و احترام. او مایل است در کنار همسر و خانواده‌اش هم از جهت تغذیه سیر شود و هم از نظر عشق و محبت سیراب گردد. از این رو، در تعالیم اسلامی علاوه بر مهارت زن در پخت و پز به استقبال گرم از شوهر هنگام ورود به خانه سفارش شده است.»

4. تحمل مشکلات خانه‌داری: خانه‌داری و پرداختن به امور داخلی خانه کاری بس دشوار و حساس است و بدون صبر و تحمل نمی‌توان از عهده آن به شایستگی برآمد. صبر و بردباری از ویژگیهای همسر شایسته است. در روایتی سه دسته مردم، از آتش دوزخ مصون گردیده‌اند، یکی از آنها زنی است که بر فقر و نداری شوهرش صبر کند «ثَلَاثَةٌ لَا تَمَسُّهُمْ النَّارُ ... الْمَرْأَةُ الصَّابِرَةُ عَلَى عُسْرِ زَوْجِهَا.»

5. خدمت: تلاشهای زن در محیط خانواده، از نظر اسلام بسیار ارزشمند است و زن باید پرداختن به امور منزل را برای خود عبادت بشمارد و با شور و نشاط آنها را انجام دهد و با کم ارزش دانستن کارهای خانه و بی‌تابی کردن، نق زدن، آزدن شوهر و یا منت گذاشتن بر او اجر خود را ضایع نسازد. در روایات می‌خوانیم: «اگر زنی به همسرش جرعه‌ای آب بنوشاند، [ارزش معنوی آن] از ثواب یک سال روزه‌داری و شب‌زنده‌داری برای او بهتر است و خداوند در برابر هر جرعه آب که به همسرش می‌نوشاند، برای او شهری در بهشت بنا می‌کند و شصت گناه او را می‌بخشد.»

مدیریت در خانه‌داری

از مسائل مهم در خانه‌داری چگونگی اداره امور خانه است. اداره خانه از سخت‌ترین کارهاست و به دقت و ظرافت فراوانی نیاز دارد. کسی غیر از کدبانوی خانه نمی‌تواند به شایستگی از عهده این کار برآید. تنها اوست که با ظرافتهای زنانه، برنامه‌ریزی، سازماندهی و تقسیم کار، نظارت و زیرکیهای ویژه خود قادر است کانون خانوادگی را برای زندگی گرم نگه دارد. بدیهی است که نباید بار سنگین تمام کارهای خانه بر کدبانوی خانه تحمیل گردد، بلکه لازم است که سایر اعضای خانواده نیز مشارکت نمایند و هرکدام فراخور حالشان مسئولیتی بپذیرند تا خانواده بتواند کارکردهای مؤثر خود را به خوبی ایفا کند.

مدیریت زن را در خانه‌داری می‌توان شامل موارد زیر دانست:

یک. سامان‌دهی خانه: خانه را به چه شیوه‌ای باید سامان داد؟ اسباب و لوازم خانه را به چه صورتی باید مرتب کرد که دلپذیرتر باشد؟ نظافت و بهداشت آن چگونه و با چه فاصله‌ای در هفته و ماه صورت گیرد؟ کدبانوی خانه چگونه می‌تواند خانه را برای اعضای خانواده دلپذیر سازد؟ موارد یاد شده عرصه کدبانوی زیرک و هشیار است و ذوق و سلیقه او بر آنها حاکم است. او می‌تواند به گونه‌ای عمل کند که شوهر پس از پایان کار روزانه برای بازگشت به خانه لحظه‌شماری کند و در آنجا به آرامش و آسایش برسد.

دو. تغذیه: کار کدبانوی خانه در پخت و پز و تهیه غذای لذیذ و خوشمزه خلاصه نمی‌شود. تغذیه اعضای خانواده نیاز به مدیریت قوی دارد. اگرچه شوهر موظف است مواد غذایی لازم را برای خانه فراهم کند، ولی کدبانوی خانه است که باید درست مدیریت کند و ببیند چه نوع غذایی آماده کند که در سلامت و رشد فرزندان مؤثرتر است. او در اینجا به منزله طبیب عمل می‌کند، بر فرزندان و سلامت و بیماری آنان، ضعف و ناتوانی و توانایی و کمبود و رشد آنها با دقت نظارت می‌کند و می‌کوشد نیازهای غذایی آنها را به خوبی برآورد. همچنین ممکن است شوهرش بیمار شود و یا دارای رژیم غذایی مخصوص باشد و هر غذایی برای او مناسب نباشد. در

چنین صورتی کدبانوی خانه با عنایت به وضعیت مزاجی و تأمین سلامت او غذایی مناسب برایش فراهم می‌سازد.

سه. مدیریت اقتصادی: تأمین هزینه زندگی از نظر شرع و قانون برعهده شوهر است و او وظیفه دارد مخارج خانواده را تأمین کند، حساب دخل و خرج زندگی را برسد و با عقل و تدبیر نیازهای اقتصادی خانواده را برآورده سازد و او مدیر مالی و اقتصادی خانواده است، ولی بانوی خانه‌دار نیز در این زمینه بی‌مسئولیت نیست. او نیز باید در مدیریت اقتصادی خانواده با شوهرش مشارکت و همکاری نماید. زن خانه‌دار برای سامان‌دهی اقتصاد خانواده می‌تواند در موارد زیر نقش ایفا کند و با شوهرش همکاری نماید:

1. حفاظت از اموال شوهر: زن در محیط خانواده امین اموال شوهر است و در حفظ آنها باید بکوشد، تصرفات او با اجازه و رضایت شوهرش باشد و بدون رضایت او حق ندارد چیزی به کسی ببخشد و یا از آن اموال برای کسی سوغات و چشم‌روشنی ببرد؛ حتی برای خویشان خود و یا شوهرش.

رسول خدا (ص) می‌فرماید: «زن، نگهبان و امانت‌دار اموال شوهر است و در این باره مسئولیت دارد.» امام علی (ع) در روایتی سه ویژگی و از جمله بخل را، که از بدترین صفات برای مردان است، برای زنان از بهترین صفات شمرده و علت آن را این‌گونه بیان فرموده است: «زیرا وقتی زن بخیل باشد، مال خود و شوهرش را حفظ می‌کند.»

2. قناعت: کدبانوی خانه برای اینکه زندگی آرام و خوشی داشته باشد، باید به آنچه خدا روزی او کرده است، رضا دهد، زبان به اعتراض نگشاید و در خود احساس ناکامی نکند. امام علی (ع) درباره تفسیر آیه «فَلْنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً» (نحل: 97)، می‌فرماید: منظور از زندگی پاکیزه، زندگی با قناعت است. کدبانوی قانع در زندگی مشترک خود به مقدار ناچیزی از وسائل زندگی در حد ضرورت و نیاز بسنده می‌کند و بر آنچه در توان همسر است و برای او تهیه کرده، رضایت دارد. از این رو، غصه زندگی دیگران را نمی‌خورد، نق نمی‌زند، سطح توقع خود را از زندگی پایین می‌آورد و برای رسیدن به زندگی مرفه‌تر خرج‌تراشی بی‌جا نمی‌کند. مقام معظم رهبری در توصیه به زوجهای جوان و خانواده‌ها می‌فرماید: توقعات مادی زیاد و بالا، موجب تنگی معیشت و موجب ناراحتی خود انسان می‌شود، اگر انسان توقع خودش را از زندگی توقع کمی قرار دهد، این مایه سعادت خواهد بود.

3. مصرف بهینه: منظور از مصرف بهینه در اینجا استفاده صحیح و بجا از امکانات زندگی خانوادگی و نعمتهای الهی، صرفه‌جویی و پرهیز از اسراف و تبذیر است. اسلام همگان را به مصرف بهینه و بهره‌برداری درست از نعمتهای الهی و امکانات زندگی دعوت کرده و از اسراف و تبذیر برحذر داشته است. الگوی مصرف بهینه در اسلام عبارت است از حدّ اعتدال و میانه، دور از اسراف و سخت‌گیری؛

قرآن کریم در وصف «عبادالرحمن» می‌فرماید: «آنها کسانی‌اند که چون انفاق کنند، نه ولخرجی می‌کنند و نه تنگ می‌گیرند و میان این دو [روش] حد وسط را برمی‌گزینند.» (فرقان: 67)

اعتدال در مصرف، از اصول مسلم اسلامی است که انسانها را به سر منزل سعادت می‌رساند و در نظر اسلام، همسر نمونه کسی است که از این الگو در زندگی پیروی کند. مقام معظم رهبری می‌فرماید:

مصرف باید در حد لازم باشد نه در حد اسراف. خانمهایی ... که همسرانشان یا خودشان مسئولیتهایی در بخشهای مختلف کشور دارند، باید از لحاظ دوری از اسراف نسبت به دیگران الگو باشند. باید برای دیگران درس باشند ... اسراف، الگوی زن مسلمان نیست.

زیاده‌روی در خوراک و پوشاک، مواد دارویی، مصرف بی‌رویه آب و برق، گاز و تلفن، تهیه انواع کالاهای غیر ضرور و تشریفاتی و لوازم لوکس و تجملاتی و دیگر ریخت و پاشها که معمولاً در زندگی بعضی افراد دیده می‌شود، همه از مصادیق اسراف و حرام است. کدبانوی خانه برای سامان دادن به اقتصاد خانواده باید از حد و اندازه تجاوز نکند، مراقب باشد نان و غذای طبخ شده دور ریخته نشود، میوه‌های مصرف نشده ضایع نگردد و از خانه بیرون ریخته نشود، لباس بیش از اندازه لازم خریداری و ذخیره نگردد، به این امید که شاید یک بار در مراسمی پوشیده شود و همین‌گونه موارد دیگر.

4. حمایت مالی از شوهر: اسلام، زن را از تأمین هزینه زندگی در عرصه خانواده معاف کرده، ولی اشتغال او را ممنوع نکرده است. از این رو، اگر لازم شود او نیز به کار اقتصادی بپردازد، با رعایت موازین شرعی و حفظ حجاب اسلامی جایز است. زن نیز همانند مرد استقلال اقتصادی دارد، مالک دسترنج خود است و هرگونه که بخواهد، می‌تواند در آن تصرف کند. شوهر از نظر شرعی و قانونی هیچ‌گونه حقی در دستمزد و درآمد همسرش ندارد و بدون اجازه او نمی‌تواند در آن تصرف کند، ولی این سخن بدین معنا نیست که زن نتواند با شوهر همکاری و از جهت مالی حمایتش کند.

انس و الفت و همدلی و یگانگی آنها ایجاب می‌کند که زن در صورت توانایی مالی از شوهرش پشتیبانی نماید و در موارد لازم و تنگناهای زندگی دست شوهرش را بگیرد و در صورت اقدام به چنین کاری بدون اجر و پاداش نمی‌ماند.

مهمان‌داری

از سنت‌های حسنه اسلام، مهمان‌داری و مهمان‌نوازی است که علاوه بر آثار فردی دنیوی و اخروی، از نظر اجتماعی نیز برکاتی فراوان دارد، در ایجاد انس و الفت مؤثر است، مودت و محبت افراد را به یکدیگر افزون می‌کند و کدورتها را از بین می‌برد. رسول اکرم (ص) می‌فرماید: هر خانه‌ای که مهمان به آن نیاید، فرشتگان به آن وارد نمی‌گردند. روزی همان حضرت فرمود: هرگاه خداوند خیر و سعادت گروهی را بخواهد هدیه‌ای برای آنها می‌فرستد. پرسیدند: آن هدیه چیست؟

پیامبر (ص) فرمود: «مهمان است که روزی‌اش را با خود می‌آورد و گناهان خانواده میزبان را می‌برد.» مهمان‌داری، آدابی دارد که اگر کدبانوی خانه از آن آگاه باشد و کاردانی و تدبیر خود را در آن به کار گیرد، می‌تواند به خوبی و آسانی، بهترین مجلس را برگزار کند و نزد شوهر و مهمانها سربلند گردد که عبارت‌اند از:

1. آسان‌گیری: از آفتهای بزرگی که باعث کم شدن مهمانیها و رفت و آمدهای دوستانه می‌شود، تکلف است. سفارش اسلام به خانواده‌ها و به ویژه خانمهای خانه‌دار اینست که مهمانیها را ساده و آسان برگزار کنند و خود را به سختی نیفکنند.

امام صادق (ع) درباره رسول خدا (ص) می‌فرماید: «[آن حضرت] از زحمت انداختن خود برای مهمان به اموری که بر آن توانایی ندارد مگر با مشقت و سختی، نهی کرده است. تکلف در مهمان‌داری این است که کدبانوی خانه برای مهمان متحمل زحمت و خرج سنگین شود، انواع غذاها و خورشها را تهیه کند و سفره رنگین در حد غیر متعارف و زاید بر نیاز و شأن خانوادگی‌اش پهن کند؛ به گونه‌ای که کار را بر مهمانان نیز مشکل سازد.»

2. همراهی با مهمان: ادب اقتضا می‌کند که میزبان در جمع مهمانان حضور یابد و همراه مهمانها دست به سفره شود و آنان را همراهی کنند تا علاوه بر خوردن غذاهای لذیذ و مطبوع از نعمت انس و الفت نیز برخوردار

شوند. رسول خدا (ص) فرمود: «هر کس دوست دارد خدا و رسولش او را دوست بدانند باید همراه مهمانش غذا بخورد»

3. پذیرایی شایسته: سزاوار است که میزبان با چهره‌ای بشاش و برخوردی محبت‌آمیز و با صفا و گرمی از مهمانها پذیرایی کند، برای آنها غذا بکشد، با کمال خوشرویی و مهربانی با آنان رو به رو شود، از میزبانی و دست به سفره شدن آنان با او و نیز از غذا خوردن آنان شادمان باشد و مجلس مهمانی را به گونه‌ای برگزار کند و به پایان برساند که خاطره خوش آن از ذهن و فکر مهمانان بیرون نرود.
امام علی (ع) می‌فرماید: «هیچ مؤمنی نیست که صدای جویدن غذا را از مهمانش بشنود و شادمان گردد، مگر اینکه گناهانش آمرزیده می‌شود.»

4. ناچیز نشمردن نعمت خدا: میزبان نباید نعمت خدا را تحقیر و غذاهایی را که آماده کرده و نزد مهمان می‌گذارد، بی‌ارزش و ناقابل‌شمارد. باید از این قبیل تعارف «ناچیز است؛ قابل‌شما را ندارد؛ ناقابل است و ...» دوری کند.

رسول خدا (ص): «برای گناهکاری انسان همین بس که غذای تهیه شده برای برادران دینی را ناچیز بشمارد.»
5. به خدمت نگرستن مهمان: از آداب مهمان‌داری این است که میزبان، شخصیت مهمانها را گرامی بدارد و در انجام کارهای مربوط به مهمانی و غیر آن، آنان را به خدمت نگیرد. روزی در مجلس مهمانی امام صادق (ع) یکی از مهمانها خواست کاری انجام دهد، امام (ع) اجازه نداد و خود آن کار را انجام داد و فرمود: رسول خدا (ص) از به خدمت گرفتن مهمان، نهی کرد.

6. انس‌گیری با مهمان: برقراری انس و الفت با مهمان نیز از دیگر آداب مهمان‌داری است. از این‌رو، پس از صرف غذا شایسته است که میزبان در جمع مهمانان بنشیند، با آنها انس بگیرد، از حضور آنان در این مهمانی ابراز علاقه و خوشحالی کند، با گشاده‌رویی و لبخند با آنان سخن بگوید و مجلس مهمانی را شیرین و خاطره‌برانگیز سازد.

7. بدرقه: شایسته است که میزبان پس از پایان یافتن مجلس مهمانی، مهمانان را چند قدمی بدرقه کند.
امام علی (ع) به نقل از رسول خدا (ص) می‌فرماید: «از حقوق مهمان بر تو این است که همراه او شوی و تا کنار در خانه او را بدرقه نمایی.»

آداب معاشرت

کدبانوی خانه بناچار با افرادی از قبیل خویشان و بستگان، دوستان و آشنایان و همسایگان در ارتباط است و بیش یا کم با آنان حشر و نشر دارد و چه بسا از این ارتباطها و معاشرتها در زندگی تأثیر می‌پذیرد؛ به گونه‌ای که آثار آن گاهی در چگونگی روابط او با همسرش بروز می‌کند و زندگی مشترک آنان را آباد می‌کند و یا به آشوب می‌کشانند، زمانی روابطش را با دوستان و آشنایان مستحکم و یا تیره و تار می‌سازد و زمانی دیگر روابط فامیلی را تقویت کرده، یا بر هم می‌زند. از این‌رو، شایسته آن است که از راه و رسم معاشرت با دیگران آگاه باشد و بداند چه اصولی را باید در معاشرت با افراد مراعات کند. مهمترین راه و رسم معاشرت عبارتند از:

1. معاشرت با نیکان: در اسلام، سفارش شده که انسان، نیکان و پرهیزکاران را برای هم‌نشینی خود برگزیند. روابط افراد براساس تقوا تنظیم گردد. هر معاشرتی که بر این چارچوب منطبق نباشد به انسان آسیب می‌رساند. قرآن کریم می‌فرماید: «دوستان، در روز قیامت برخی دشمن برخی دیگرند، مگر پرهیزگاران.» (زخرف: 67)

برخی از افراد و خانواده‌ها به دلیل برخورداری از بعضی ویژگیها لایق دوستی نیستند و از معاشرت با آنان باید پرهیز کرد. از این رو، کدبانوی خانه باید مواظف باشد افراد بدکار، دروغگو، چاپلوس و سخن‌چین و مانند اینها را به دوستی و هم‌نشینی انتخاب نکند؛ چرا که معاشرت با این‌گونه افراد، او را از ایجاد یا تداوم ارتباط با افراد خوب و مؤمن بازمی‌دارد و از طرفی اخلاق و رفتار او را فاسد می‌سازد.

چه بسیار روابط دوستانه و خانوادگی که بر اثر معاشرت با افراد چاپلوس و سخن‌چین به تیرگی می‌گراید و مایه قطع روابط و گاه دشمنی و آشوب می‌شود، ولی با گذشت زمان و روشن شدن حقایق آشکار می‌گردد که چه کسی با انگیزه‌هایی، از قبیل حسادت زنانه، دشمنی و کینه‌توزی، پادرمیانی کرده و دوستان و آشنایان و خانواده‌ها را به جان هم انداخته است.

امام صادق (ع) می‌فرماید: «از سه طایفه مردم کناره‌گیری کن و هرگز طرح دوستی و رفاقت با آنان نریز: خائن و ستمگر و سخن‌چین. کسی که برای تو، به دیگری خیانت کند، روزی نیز به تو خیانت خواهد کرد و کسی که برای تو به دیگران ظلم کند، به تو نیز ستم خواهد کرد و کسی که از دیگران، نزد تو سخن‌چینی کند، سخنان تو را نیز نزد دیگران خواهد برد.»

2. رعایت موازین شرعی: اسلام، برای حفظ بنیان خانواده، در معاشرت زن و مرد محدودیتهایی قرار داده و قوانینی وضع کرده است. از این رو، وقتی انسان با خانواده خود به مهمانی می‌رود، یا افرادی به عنوان مهمان بر انسان وارد می‌شوند و یا آن‌گاه که قدم به اجتماع می‌گذارد و بناچار با دیگران ارتباط برقرار می‌کند، باید موازین شرع را در معاشرت با آنان رعایت کند، از معاشرتهای غیر شرعی بپرهیزد و مراتب عفاف و پاکدامنی خود را به اثبات برساند. در مهمانیها، رفت و آمدها و معاشرت با افراد، محرم و نامحرم باید مراعات شود.

اسلام اختلاط مرد و زن نامحرم را نمی‌پسندد و مجاز نمی‌شمارد؛ اگر چه نامحرم، خویشاوند انسان باشد. در معاشرت با افراد از غیبت و خرد کردن شخصیت دیگران بپرهیزد. دروغ گفتن، ممنوع است. تمسخر و استهزا و ریختن آبروی مؤمنان حرام است. تجسس در زندگی دیگران به بهانه هم‌نشینی و معاشرت در نظر اسلام ممنوع است.

3. رعایت آداب اسلامی: اسلام برای روابط افراد با یکدیگر آدابی دارد. بعضی از این آداب به طور فهرست‌وار عبارت‌اند از: - سلام کردن، که تحیت و شعار مخصوص ما مسلمانان در برخورد با یکدیگر است. خداوند متعال رسول اکرم (ص) و مسلمانان را به این سنت پسندیده موظف کرده، می‌فرماید: هرگاه کسانی که به آیات ما ایمان دارند نزد تو آیند [به آنها] بگو: سَلَامٌ عَلَیْكُمْ [درود بر شما]. (انعام: 54) اسلام، سفارش می‌کند اگر کسی به شما سلام کرد، پاسخ آن را به نیکوترین صورت بدهید و یا دست کم به همان‌گونه پاسخ دهید.

- گشاده‌رویی، این توصیه پیغمبر اکرم (ص) است که شما نمی‌توانید با اموال خود به همه مردم گشایش دهید و دل آنان را به دست آورید؛ پس با چهره گشاده و رویی خوش با آنان ملاقات کنید.

- فروتنی، که ضد تکبر است. لازمه فروتنی این است که با کسانی که انسان با آنها معاشرت می‌کند با تکریم و تعظیم رفتار نماید. امام صادق (ع) می‌فرماید: فروتنی این است که هر جای مجلس جا بود بنشین؛ اگر چه پایین مجلس باشد. در ملاقات با هر کس سلام کنی. جدال و بگو مگو نکنی؛ اگر چه حق با تو باشد و اینکه دوست نداشته باشی تو را به پرهیزگاری بستایند.

- خوش‌اخلاقی، که عبارت است از نرمخویی، پاکیزه سخن گفتن و تبسم کردن و خوشرویی با همنشینان رسول خدا (ص) می‌فرماید: اگر بنده ارزش خوش‌اخلاقی را می‌داند، درمی‌یافت که به آن نیازمند است.

- پرهیز از فخرفروشی، شوخی و جدال، بنابر روایات، دوری از مجادله، فخرفروشی، شوخی و مانند آن دوستی افراد را با یکدیگر صاف و خالص نگه می‌دارد.

فصل چهارم: نقش مادری

مقدمه

دیگر از کارکردهای زن در خانواده نقش مادری است که از اصلی‌ترین کارکردهای زن در زندگی شمرده می‌شود. مادری، ضرورتی حیاتی برای زن است و از نظر روانی، دلپذیرترین بخش زندگی‌اش را تشکیل می‌دهد و به زندگی او معنا و مفهوم می‌بخشد. عشق مادری کانون همه عشقهاست و تهی ساختن زن از این احساس، برابر است با انکاربخشی از کیان و هستی او.

مادری، نقشی است که طبیعت و فطرت برعهده زن گذاشته است. اگرچه زن و مرد هر دو در پرورش و تربیت فرزند مسئولیت دارند، ولی سنگینی این کار، بیش‌تر بر دوش مادران است. نقش مادری، آدم‌سازی است و مادر شخصیت اول را در این زمینه دارد و اوست که می‌تواند با ایفای درست این نقش، انسانهایی صالح تربیت کند و به اجتماع تحویل دهد و به طور غیر مستقیم در اصلاح اجتماع مؤثر باشد. از این روست که پیغمبر اکرم (ص) می‌فرماید: بهشت زیر پای مادران است.

ارزش و اهمیت مادری

مادری در اسلام همانند شوهرداری و خانه‌داری مقدس است. با توجه به اینکه در تکوین نسل بعدی نقش مادر کامل‌تر از پدر است، می‌توان گفت مقام مادری از مقام پدری بالاتر است و از این نظر هرگز پدر نمی‌تواند جای مادر را بگیرد. از این رو، مادران پیکرسازان اولیه اجتماع هستند و حق بزرگی بر جامعه بشری دارند. مادری از جنبه فردی برای خود مادر و تکامل او دارای اهمیت است. وقتی زن مادر می‌شود، تحولی در او رخ می‌دهد. مادر بودن و محبت مادری وجود او را دگرگون می‌سازد، روحش را هشیار می‌کند و نقص و کمبود او را جبران می‌نماید. این تغییر به انسان اختصاص ندارد، در حیوانات نیز چنین است. الکسیس کارل می‌گوید: در پستانداران تا یک مرتبه و احياناً چند مرتبه عمل زاییدن صورت نگیرد وجود جنس ماده ناقص است جسماً و روحاً.

از نظر اجتماعی نیز مادری خود بهترین وظیفه و مقام اجتماعی است و باید در درجه اول وظایف و مقامات اجتماعی زن قرار گیرد. البته وظیفه زن از نظر اجتماعی منحصر در مادری نیست، بلکه به عنوان یک مسلمان و یک شهروند در جامعه وظایف دیگری نیز دارد و اسلام او را در بسیاری از مسائل اجتماعی هم‌دوش مرد قرار داده است.

امام راحل (ره) می‌فرماید: «این مادر که بچه در دامن او بزرگ می‌شود بزرگ‌ترین مسئولیت را دارد؛ و شریف‌ترین شغل را دارد؛ شغل بچه‌داری. شریف‌ترین شغل در عالم، بزرگ کردن یک بچه است، و تحویل دادن یک انسان است به جامعه. این همان بود که خدای تبارک و تعالی در طول تاریخ برایش انبیا فرستاد.»

لذت مادری

لذت مادری متناسب است با محبت مادری. همان‌طور که محبت مادری بالاترین محبت‌هاست، با دیگر محبت‌ها تفاوت دارد و از همه آنها خالص‌تر است، لذت مادری نیز بالاترین، خالص‌ترین و با صفا‌ترین لذت‌هاست. یک لبخند کودک، یک شیرین‌زبانی، یک التجا به مادر و یک قد و بالای فرزند را دیدن فوق‌العاده لذت دارد. به طور کلی مشاهده اثر خود، لذت‌بخش است. یک صنعتگر، یک خطاط و یک نقاش نمی‌تواند از اثر خود لذت نبرد. لذت از

اثر و مخلوق و آفرینش فوق همه لذتهاست؛ به ویژه اگر پدر و مادر در تکوین روحی و تربیت و تأدیب نیکو و آراستگی روح فرزند خود مؤثر باشند.

امروزه لذت مادری نیز از ناحیه فرهنگ غرب تحقیر شده و پیوسته به زنان تلقین می‌شود که خوشی و لذت در زندان خانه از زنان گرفته شده است و خانه زندان است. لذت در نظر آنان فقط گردش و رها شدن در حاشیه خیابانها و کنار دریا و سینما و میز قمار و بطری شراب و قهقهه مستانه زدن است. فرزند داری در نظر آنان بدبختی است و خوشبختی از صبح تا ظهر پشت میز نشستن و عصر در حاشیه خیابان قدم زدن و شب به سینما رفتن و آخر شب پای میز قمار بیدار بودن است.

وظایف مادری

ایفای درست نقش مادری و تربیت فرزندان شایسته به مدیریت قوی نیاز دارد. بانوان هر چه بیش‌تر از اصول بچه‌داری و تربیت کودک آگاه باشند، در پرورش و تربیت فرزندان موفق‌ترند. اسلام، اصول لازم در این باره را به بانوان آموزش داده است. روایات معصومین (ع) و سیره آنان بهترین دستمایه تربیت فرزندان صالح است.

توصیه اسلام به مراقبتهای ویژه در دوران حمل و بارداری، توجه دادن به رعایت آداب و سنن دینی پس از تولد فرزند و سفارش به تغذیه کودک از شیر مادر، ابراز عواطف، محبت و نوازش فرزند، همبازی شدن با کودکان و رفتار عادلانه همه و همه در همین مسیر است.

بانوان برای ایفای نقش مادری از نظر عشق و محبت و عواطف و علاقه‌مندی به سرنوشت فرزندان خود، چیزی کم ندارند و از این نظر ثروتمند هستند، ولی برای توفیق بیش‌تر در تربیت فرزندان صالح، باید از علم و آگاهی به اصول بچه‌داری و رموز تربیت برخوردار باشند.

برخی از وظایف بانوان را در رابطه با فرزندان یادآور می‌شویم.

1. تأمین نیازهای عاطفی: روان‌شناسان، سالهای نخستین عمر آدمی را دوران سرنوشت‌ساز می‌دانند و بر آن‌اند که اولین پایه‌های سعادت و شقاوت انسان در این مرحله و به ویژه در شش سال اول نهاده می‌شود. به همین دلیل توجه به نیازهای کودک در سنین قبل از دبستان، اهمیت بیش‌تری دارد. بیش‌تر کودکانی که در سالهای نخستین زندگی از محبت مناسب برخوردارند، به درجات بالایی در زندگی می‌رسند و بر عکس، کسانی که در این مرحله از نظر عواطف و محبت اشباع نمی‌شوند، در سنین بعدی عمر، تنها احساس می‌کنند.

در روایات معصومین (ع) به تأمین نیازهای عاطفی کودکان بسیار توصیه شده است. امام علی (ع) می‌فرماید: در خانواده‌ها به کودکان ترحم و مهربانی کن. امام صادق (ع) می‌فرماید: فرزندان‌تان را بسیار ببوسید؛ زیرا برای شما در هر بوسیدن درجه‌ای است.

هنگامی که مادر با هیجان عاطفی خاصی فرزندش را در آغوش خود می‌فشارد و به او شیر می‌دهد، یا زمانی که به زبان کودکانه و با تمام وجود با فرزندش سخن می‌گوید و برق عشق و محبت از چشمان او جستن می‌کند و تا اعماق وجود طفل نفوذ می‌نماید، هنگامی که فرزند خود را شب کنار خود پناه می‌دهد و او را نوازش می‌کند و ... در تمامی این حالات، مادر، شیرینی محبت را به کودک خردسال خود می‌چشاند و گرمای عشق و عاطفه را به ذره ذره وجود او می‌رساند و همین گرمای مطبوع عشق و محبت است که بذرهای عاطفه را در وجود کودک می‌پروراند و او را با اکسیر عشق و کیمیای محبت آشنا می‌سازد.

برخی از راههای تأمین نیازهای عاطفی فرزندان عبارت است از:

1-1. در آغوش گرفتن و نوازش: نوازش و مهرورزی و برآوردن نیازهای عاطفی فرزندان از این طریق، آنان را متکی به نفس بار می‌آورد و ریشه محبت و عواطف را در عمق جانشان نفوذ می‌دهد. بهترین ابزار محبت کودکان در اوان تولد، نوازش، در بغل گرفتن و لبخند زدن به صورت آنان است. کودک در این دوران باید امنیت عاطفی و حمایت مادر را با تمام وجودش احساس کند. این مسئله به قدری مهم است که به مادران سفارش شده است هنگام شیر دادن سعی کنند آرام باشند و با لبخند و تبسم به روی کودک خود بنگرند. پدر نیز باید در نوازش و ابراز محبت به فرزند خردسالش مشارکت داشته باشد و بکوشد از همان بدو تولد، او را در آغوش بگیرد و با تبسم به او نگاه کند و از این نظر چیزی کم نگذارد.

روش نوازش کودک در وقتی که قدری بزرگ‌تر شد، کمی تغییر می‌کند. برای مثال در سنین یک سال به بالا، دست محبت به سر آنها کشیدن و روی زانو نشاندن بهترین راه تأمین محبت است. روش پیغمبر اکرم (ص) در خانواده این بود که هر روز صبح دست محبت بر سر فرزندان خود می‌کشید.

2-1. همبازی شدن: بازی در رشد عاطفی کودکان مؤثر است. کودکان در ضمن بازی طرز ابراز عواطف مختلف را می‌آموزند و به تدریج می‌توانند عواطف خود را کنترل کنند. بازی در رشد عقلانی و اجتماعی کودکان نیز تأثیر دارد. مشکلاتی که کودک در بازی با آنها رو به رو می‌شود و برای حل آنها می‌کوشد، قدرت او را در برخورد با مسائل در دوره‌های بعدی زندگی افزایش می‌دهد.

از مسائل اساسی در تربیت کودکان این است که پدر و مادر یا مرتبی بتواند خود را تا سر حد طفولیت پایین آورد و هم سطح کودک کند. رسول خدا (ص) می‌فرماید: هر که کودکی دارد باید [در راه تربیت او] خود را تا سر حد کودکی برساند.

همبازی شدن با کودک علاوه بر اینکه او را غرق لذت و شادی می‌کند و صمیمیت را افزون می‌سازد، اعتماد به نفس و احساس ارزشمندی را در او می‌آفریند. علاوه بر این، در ضمن بازی بسیاری از اصول اخلاقی را می‌توان به طور مستقیم و غیر مستقیم به کودک آموزش داد و این فرصت مناسبی است که نباید آن را از دست داد.

3-1. احترام به شخصیت کودک: رفتار تحقیرآمیز و آمیخته به طعن و ملامت، عواطف فرزندان را جریحه‌دار می‌سازد و سبب می‌شود که آنها به تدریج خود را موجودی بی‌ارزش و بی‌مقدار بیندارند و احساس کرامت و شخصیت را از دست بدهند و این احساس سرآغاز سقوط و انحطاط است. گرامی داشتن شخصیت کودک، از بهترین وسیله‌های ارضای غریزه حبّ ذات در کودکان است. همه کودکان، از احترام لذت می‌برند و به کسی که آنها را مورد احترام قرار می‌دهد علاقه‌مند می‌شوند. اگر پدر و مادری با فرزندان خود رفیق باشند، آنها را گرامی بدانند و به‌گونه‌ای درست تربیتشان کنند، کم اتفاق می‌افتد که در برخورد با آنان نیازی به خشونت و تنیدی داشته باشند.

4-1. رفتار عادلانه: تبعیض و بی‌عدالتی میان فرزندان روح لطیف و حساس آنان را آزرده و عواطف آنها را جریحه‌دار می‌سازد. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «میان فرزندان عادلانه رفتار کنید؛ همان‌گونه که دوست دارید آنان در نیکی و مهربانی به شما عدالت را رعایت کنند. پدران و مادرانی که در ابراز علاقه و محبت به فرزندان عادلانه رفتار نمی‌کنند، حسّ حقارت، کینه‌توزی و انتقامجویی را در کودک می‌آفرینند و در تربیت فرزندان خود ایجاد اختلال می‌کنند.»

فرزندى که با بی‌مهري و بی‌عدالتی رو به رو می‌گردد، به والدین خود بدبین می‌شود و کینه آنها را به دل می‌گیرد و اعمال آنان را بر دشمنی حمل می‌کند، نسبت به برادر و خواهر خود حسادت می‌ورزد و آنها را می‌آزارد، عقده‌ای می‌شود و احساس خود کم‌بینی و حقارت می‌کند.

2. تغذیه: سلامت و بیماری، زشتی و زیبایی، خوش اخلاقی و بد اخلاقی، زیرکی و کودنی کودکان تا حدی به چگونگی تغذیه مربوط است. تأثیر غذا بر رفتار و تربیت دینی انسان نیز جای انکار نیست. اسلام برای جلوگیری از پیامدهای ناگوار آن درباره تغذیه مادران و فرزندان، توصیه‌های فراوانی کرده که اگر به خوبی اجرا شوند، از بروز بسیاری از مشکلات تربیتی جلوگیری می‌کنند.

نخستین غذایی که کودک پس از تولد، از آن تغذیه می‌کند شیر مادر است. شیر مادر از جنبه‌های گوناگون بر کودک تأثیر می‌گذارد و آنچه مهم‌تر است تأثیرات روحی آن است. درباره تغذیه کودک از شیر مادر و چگونگی آن دستوراتی از معصومین (ع) رسیده که شایان توجه‌اند.

امام علی (ع) می‌فرماید: «هیچ غذایی برای کودک سودمندتر و پربرکت‌تر از شیر مادر نیست.»

بر مردم لازم است که برنامه غذایی همسرش را که بچه شیر می‌دهد، به گونه‌ای مرتب سازد که از جهت غذایی بسیار غنی و کامل باشد. او باید انواع خوراکیها، انواع سبزیها، میوه‌ها، حبوبات، گوشت، تخم مرغ و لبنیات را در برنامه غذایی همسرش بگنجانند و بدین وسیله سلامت او و فرزندش را تأمین نماید. از روایات برمی‌آید که تغذیه حلال و مطلوب، اعم از شیر مادر و غذا، در دوره کودکی بر تربیت دینی کودک نیز تأثیر فراوان دارد. از این رو، بر پدران و مادران لازم است به این دستورات معصومین (ع) توجه کنند و از غذاهای حلال استفاده نمایند تا فرزندان صالح بیورانند.

3. نظافت و بهداشت: رسیدگی به نظافت و بهداشت اطفال وظیفه‌ای حساس و مهم است که آن نیز بر تربیت درست فرزندان اثر می‌گذارد. رختخواب و لباسهای کودک باید همیشه تمیز و مرتب باشد، کهنه‌هایش زود به زود تعویض و دستهای او با آب و صابون شسته شود. در شست و شوی او هرگز نباید غفلت کرد؛ چرا که کودک در برابر میکربها مقاوم نیست و چنانچه در بهداشت او سهل‌انگاری شود، ممکن است بیمار یا تلف شود.

بر مادران لازم است که در تغذیه کودکان نیز نظافت و بهداشت را رعایت کنند. از خوردن غذای ناپاک و آلوده به فرزندان خودداری کنند و حتی هنگام شیر دادن با طهارت به آنان شیر بدهند.

درباره مرحوم شیخ انصاری نقل شده است که مادرش هیچ گاه بدون طهارت، به ایشان شیر نداد. مرحوم شیخ انصاری بر اثر این قبیل مراقبتها و تربیت درست خانوادگی به مقامی رسید که جهان اسلام و حوزه‌های علمیه شیعه تاکنون مدیون خدمات علمی و فرهنگی اوست.

4. تربیت: سهم و تأثیر مادر در تربیت کودک به مراتب بیش از پدر است. این تأثیرگذاری به اندازه‌ای است که می‌توان گفت: شالوده سعادت و شقاوت انسان در شکم مادر پی‌ریزی می‌شود.

در روایتی از پیغمبر اکرم (ص) می‌خوانیم: «سعادت‌مند کسی است که در شکم مادرش خوشبخت است و شقاوت‌مند کسی است که در شکم مادرش نگوینخت است.»

این روایت مسئولیت مادر را در تربیت فرزند دو چندان می‌کند و ضرورت مراقبت‌های ویژه او را در ایام بارداری و حمل آشکارتر می‌سازد؛ چرا که در این دوران فرزند از خون و روح یعنی فکر و خُلق مادر تغذیه می‌کند و تمام روحيات و اخلاقیات مادر به فرزند منتقل می‌شود و حتی اعمال و رفتار مادر و نوع تغذیه او نیز در تربیت فرزند اثر می‌گذارند.

پس از وضع حمل و تولد نوزاد نیز سهم مادر در تربیت بیش‌تر از پدر است؛ زیرا در دوره شیرخوارگی نیز از خون مادر و روح او تغذی می‌کند و اخلاق و روحیات شیر دهنده در روح شیرخوار مؤثر است. در دوره گرفته شدن از شیر تا مدرسه نیز کودک بیش‌تر در دامان مادر است و در این مرحله تربیت کودک در دست مادر است و هرگز پدر نمی‌تواند جای مادر را بگیرد.

در تربیت کودک باید به چند مسئله توجه کرد:

1-4. نام نیک گذاشتن: انتخاب نام خوب برای فرزند از حقوق اوست. در اسلام توصیه شده است که برای فرزندان نام نیکو برگزینید. در روایتی از رسول خدا (ص) می‌خوانیم: «اولین عطیه و بخشش هر یک از شما به فرزندش، اسم خوبی است که برای او انتخاب می‌کنید.»

نام خوب گذاشتن دو اثر دارد: یکی تعظیم شعائر است و دیگر اینکه اثر تربیتی پسندیده‌ای برای طفل دارد و نقشی مهم در شخصیت او ایفا می‌کند. باید برای طفل نامی را برگزید که بعدها برای آن تمسخر نشود و احساس حقارت نکند.

2-4. آماده‌سازی محیط تربیتی: پدر و مادر برای تربیت فرزند صالح باید محیط خانه را از هر جهت آماده کنند و عواملی را که ممکن است به تربیت کودکان آسیب برساند از میان بردارند. محیط خانه باید پاک باشد و پدر و مادر باید در برابر فرزندان، مراقب عملکرد خود باشند تا مبدا بر اثر رفتار نادرست آنان، آسیبی به تربیت دینی آنان برسد.

کودک به پدر و مادر خود به عنوان الگوی تربیتی می‌نگرد و به او اعتماد دارد و چشمان تیزبین او تمام حرکات و سکنات و رفتارهای آنان را زیر نظر دارد. در گفتار و رفتار آنها نباید هیچ‌گونه تناقضی مشاهده شود؛ چرا که کودک از طرفی قدرت تفکیک ندارد و از طرفی هم در گفته‌های تلقینی پدر و مادرش نمی‌تواند احتمال خلاف بدهد و اگر کار زشتی ببیند، نمی‌تواند علت آن را بفهمد و توجیه کند. از این رو، گرفتار سرگیجه و تناقض روحی شده و دو شخصیتی می‌گردد و کشمکش دردناک در روحش پیدا می‌شود.

3-4. پرهیز از افراط و تفریط در محبت: کودک از نظر محبت باید اشباع شود و احساس کمبود نکند. از این رو، هر چه بیش‌تر به او محبت کنند، بهتر و در تربیت صحیح او مؤثرتر است؛ اما ابراز محبت باید عاقلانه باشد. از این رو، نه باید با ابراز محبت زیاد او را لوس بارآورد و نه باید از وارد کردن او در گود زندگی ترسید.

4-4. تأثیر روابط والدین در تربیت: پدر و مادر باید در نظر فرزندان دارای شخصیت و ابهت باشند تا تربیت صحیح برای آنان ممکن گردد. از این رو، نباید یکدیگر را در حضور فرزند تحقیر کنند، تا نقش ارشادی و تربیتی آنان همچنان بر جای بماند.

اگر پدر و مادر به علت برخورداری از کمالات روحی، وقار، ادب، بزرگواری، قاطعیت و جدیت، پرهیز از کارهای سبک و زیاده روی نکردن در شوخی و مانند آن، شخصیتی قابل احترام نزد فرزندان داشته باشند، فرزندان به طور طبیعی به اطاعت از آنها مایل می‌شوند.

5-4. پرهیز از وعده دروغ: نباید به فرزند وعده دروغ داد و نباید او را گول زد و با دروغ، خود را از شر او خلاص کرد. همچنین نباید او را با موهوماتی از قبیل لولو، صدای سگ و گربه و مانند آنها ترساند و یا برای او افسانه‌های رعب‌آور و وحشت‌انگیز نقل کرد. بلکه باید با رفتار شایسته، بیان واقعیتهای و حقایق، نطق و استدلال در خور فهم آنها و ذکر داستانهای واقعی، فرزندان را با شخصیت و دارای اعتماد به نفس بار آورد.

6-4. بازیگوشی و شیطنت کودکان: شیطنت، بازیگوشی و حالت فعال و پرجنب و جوش کودک ناشی از سلامت جسمی، روانی و ذهنی او است و چنین کارهایی - به ویژه برای پسران - امری طبیعی است و نباید موجب نگرانی پدر و مادر شود. آنها باید با صبر و حوصله و تدبیر، این گونه رفتارها را تحمل کنند. البته پدر و مادر باید این رفتارها را در مسیر صحیح هدایت کنند تا به بی‌قیدی منتهی نشوند. تجربه نشان داده است که این گونه کودکان فعال و با نشاط و پرتحرک، گرچه در دوران خردسالی برای والدین خود مشکلات و ناراحتیهایی ایجاد می‌کنند، اما در بزرگسالی از هوش و استقامت بیش‌تری برخوردارند. بنابراین، باید در انتظارات خود از کودکان تجدید نظر کرد و به چشم بزرگسالان در آنان ننگریست. در روایتی از پیغمبر اکرم (ص) آمده است: شیطنت و ستیزه‌جویی کودک در دوران خردسالی نشانه فزونی عقل و اندیشه او در بزرگسالی است.

7-4. پاسخگویی به پرسشهای کودک: کودک از سال دوم زندگی به تدریج لغات و کلماتی را فرامی‌گیرد و به تکلم می‌پردازد. با افزایش توانایی او در سخن گفتن پرگویی او نیز افزوده می‌شود. از این رو، مرحله سنی 3 تا 7 سالگی به دوران پرگویی نیز مشهور است. این پدیده نشانه رشد کنجکاو در کودک است و تربیت صحیح این حس در رشد فکری کودک آثاری عمیق دارد. از این رو، اطرافیان کودک و به ویژه مادر باید در برابر پرسشهای مداوم کودک حوصله و بردباری از خود نشان دهد و به زبانی که کودک قادر به فهم آن باشد، به پرسشهای او پاسخ دهند. در برابر پرسشهای کودک باید طوری رفتار شود که نه غریزه پرسشگری او سرکوب گردد، نه پرسشها بی‌پاسخ بمانند و نه پاسخهای دروغ و نادرست به او داده شود.

8-4. مدیریت در تربیت پسران و دختران: از مسائل مهم در تربیت، توجه به تفاوت‌های موجود میان دختر و پسر است. برای اینکه دختران و پسران هنگام بلوغ با مشکلی رو به رو نشوند و به تدریج با نقش خاص خود به عنوان دختر یا پسر آشنایی یابند، باید از همان ابتدا جداگانه با آنها رفتار شود. این مسئله درباره دختران اهمیتی بیش‌تر دارد؛ زیرا آنها زودتر از پسران بالغ می‌شوند.

در تعالیم اسلامی به این حقیقت توجه کامل و توصیه شده است که از حدود شش سالگی با دختر و پسر به روشی جداگانه رفتار شود. روایات اسلامی سفارش کرده‌اند که نباید دختر بچه شش ساله را پسر بچه یا مرد نامحرم ببوسد و در بغل گیرد. همچنین زنان نامحرم باید از بوسیدن پسر بچه‌ای که سنش از هفت سال گذشته است خودداری کنند. همین‌طور توصیه کرده‌اند که بستر خواب کودکان در شش سالگی از هم جدا شود. مراعات این اصول سبب می‌شود که دختران و پسران از همان آغاز به تدریج نقش مردانه و زنانه مناسب را پیدا کنند و برای بلوغ آمادگی کافی داشته باشند. به هر حال، باید در دوران کودکی زمینه رشد ویژگیهای فطری دختر و پسر در خانواده فراهم آید و در مسیری که آفرینش با تدبیری حکیمانه پیش پای آنها نهاده است، سوق داده شوند.

5. ادب‌آموزی و تعلیم: آشنایی با آداب عملی و راه و رسم صحیح زندگی سرمایه‌ای بس گرانبه‌تر است که کودکان از والدین خود به ارث می‌برند. پدر و مادر باید آداب صحیح زندگی را به فرزند خود بیاموزند. بهترین و مناسب‌ترین دوران برای این آموزش دوران کودکی و به ویژه هفت سال دوم زندگی اوست. در این دوران که آن را دوران «ادب‌آموزی» و «تعلیم» خوانده‌اند، کودک نرمش بیشتری برای فراگیری دارد و می‌توان از این فرصت برای آموزش آداب درست زندگی برای او سود جست. برخی از مهم‌ترین آداب عبارت‌اند از:

1-5. پاکیزگی: کودکان باید آموزش داده شوند تا با دستان آلوده بر سر سفره ننشینند، هنگام غذا خوردن سفره را به غذا و بقایای آن آلوده نکنند، بعد از غذا دستهای خود را بشویند، بدون کفش به حیاط خانه و

محللهای غیر مفروش نروند، به هیچ عنوان با کفش وارد اتاق نشوند در کوچه و خیابان آب دهان نیندازند و،
آشغال نریزند و

2-5. رعایت نظم: هر چیزی در خانه باید برای خود جایی مشخص داشته باشد و هر کس چیزی را برمی دارد، دوباره در جای خود بگذارد. هر کس تا آنجا که ممکن است باید کارهای شخصی خویش را خود انجام دهد. برای مثال، خود رختخواب خود را جمع یا مرتب کند، اگر مشغول درس و مشق است، بعد از تمام شدن آن وسایل خود را جمع کند و در جای خود بگذارد و از وسایل خود شخصاً مراقبت کند؛

3-5. صرفه جویی: هیچ چراغی بی جهت در خانه روشن نباشد؛ از تلفن استفاده بی رویه و غیر ضروری نشود؛ در شستن دست و صورت و ظروف یا استحمام بیش از حد متعارف آب مصرف نشود؛ از مصرف بی رویه مواد غذایی و دور ریختن نان و غذا به شدت پرهیز شود؛ هنگام غذا خوردن هر کس به اندازه نیاز غذا بردارد تا آن را به طور کامل مصرف کند؛ هر کس از وسایل شخصی خود چنان مراقبت نماید که عمر مفید آنها به حداکثر برسد؛ کودکان در مصرف لوازم التحریر صرفه جویی کنند و این گونه وسایل به طور بی حساب در اختیار آنها قرار نگیرد.

4-5. مراعات حقوق دیگران: اگر کسی مشغول درس و مطالعه هست دیگران مراعات حال او را بکنند و مزاحم کار او نشوند؛ اگر کسی در خواب است دیگران با ایجاد سر و صدا، آسایش او را بر هم نزنند؛ اگر یکی از بچه ها به وسیله یا لوازم التحریر دیگری نیاز دارد با کسب موافقت او از آن استفاده کند؛ به اموال عمومی تجاوز نکنند برای مثال در پارک گلها را پر پر نکنند، در مدرسه میز و نیمکت را کثیف و خراب نکنند، بر دیوار کلاس چیزی ننویسند، در حفظ وسایل نقلیه عمومی کوشا باشند؛ بر در و دیوار خانه مردم چیزی ننویسند؛ در مهمانیها وسایل خانه میزبان را دستکاری و خراب نکنند یا غذا و نوشیدنی را بر روی فرش نریزند و

5-5. نزاکت در گفتار و رفتار: کودکان باید آموزش داده شوند که در سخن گفتن مطلقاً الفاظ زشت و رکیک به کار نبرند؛ به کسی اهانت نکنند یا او را مسخره نمایند؛ با دهان انباشته از غذا سخن نگویند و در غذا خوردن، حرص نورزند؛ احترام مهمان را حفظ کنند؛ مؤدبانه بنشینند و مؤدبانه سخن بگویند.

6-5. همکاری در خانواده: محیط خانواده باید نمونه ای از همکاری صمیمانه بین اعضا باشد؛ پدر در هنگام فراغت و روزهای تعطیل در انجام کارهای خانه به همسر خود کمک کند؛ فرزندان هر یک به فراخور حال، بخشی از کارهای خانه را به عهده داشته باشند؛ از دلسوزیهایی که بعضی مادران نسبت به فرزندانشان می کنند و آنها را از انجام هر کاری معاف می دارند پرهیز شود که موجب تنبل و راحت طلب بار آمدن بچه ها می شود.

حقوق مادری

اسلام حقوق مادر را بیش از حقوق پدر دانسته است. اگرچه باید به پدر و مادر - هر دو - احترام نهاد، ولی بر حق مادر تأکید بیشتری شده و برای او منزلت بالاتری در نظر گرفته شده است. قرآن کریم برای ترغیب افراد به برقراری رابطه مطلوب با مادر، تلاشها و رنجهای مادران را این گونه بیان می کند: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ» ... انسان را درباره پدر و مادرش سفارش کردیم؛ مادرش او را با ناتوانی و رنج پیوسته حمل کرد و طی دو سال شیر داد. (لقمان: 14)

پیامبر اکرم یک شب خدمت به مادر و انس با او و در خدمتش به سر بردن را از 1 سال جهاد برتر دانسته است. امام رضا (ع) می فرماید: بدان که حق مادر واجب ترین و لازم ترین حقوق است؛ زیرا مادر دشواری بارداری را بر خویش هموار می سازد، به گونه ای که هیچ کس غیر او چنین کاری را نمی کند. او با چشم و گوش و تمام وجودش

و با خرسندی و شادمانی از فرزند پاسداری می‌کند. مادر با خشنودی گرسنه می‌ماند تا فرزند سیر شود، تشنگی می‌کشد تا او سیراب گردد، برهنه می‌ماند و فرزند را لباس می‌پوشاند و او را در سایه قرار می‌دهد و خود سوز آفتاب را تحمل می‌کند. بنابراین، باید پاسداشت و نیکی و نرمش با مادر به فراخور فداکاریهایش باشد؛ اگرچه شما توان آن را ندارید که کم‌ترین حقوق او را ادا کنید مگر به یاری خداوند.

نیکی و خدمت و برآوردن نیازهای مادر، اطاعت و فرمانبرداری از او، پرهیز از آزردهن او اگرچه فقط با «اف» باشد، بال و پر گسترده در برابر او و فروتنی کردن، احترام کردن و گرمی داشتن مقام او به هر شیوه ممکن و تشکر و قدردانی از زحمات او برخی از وظایفی است که فرزندان باید در ادای حقوق مادران خود در نظر گیرند.